



سر مقاله

۳

دولت چهاردهم چه کارهایی می‌تواند

یادداشت

۵

استرس شغلی در کارگران

اندیشه

۱۲

روایت وپند

مصاحبه

۹

وقتی مطالبه‌ای باشد، دولت و...

محیط زیست

۱۸

بیانیه روز جهانی مبارزه با تغییر اقلیم

ایرانگردی

۲۲

کلیسای وانک

سروش دباغ:

چگونه سوسیال دموکرات شدم

گردش به چپ!





هفته‌نامه غیر برخط اراده ملت

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳ / شماره ۸۶



صاحب‌امتیاز:

حزب اراده ملت ایران

مدیرمسئول:

رحیم حمزه

سر دبیر:

کاظم طیبی فرد

مدیر اجرایی:

حسن غلامی

همکاران این شماره:

عباس امامی / فاطمه امامی / مهتاب قصابی

زهره زمانی / حسن غلامی / فائزه صدر

بهزاد میقانی / کاظم طیبی فرد

کوروش الماسی / محمد بنی اسدی

علی مجدم / افشین فرهانچی

سروش دباغ / فاطمه قدم / زهرا کرد

نشانی:

خیابان جمالزاده شمالی - نبش کوچه زند - ساختمان

۱۱۰ - واحد ۲۲

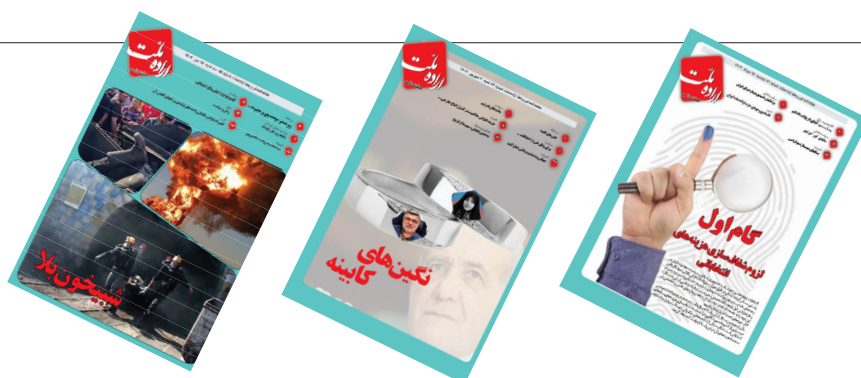
تلفن:

۰۲۱۶۶۴۳۱۶۱۶ - ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵



این هفته نامه

ارگان رسمی حزب اراده ملت است



سرمقاله: دولت چهاردهم چه کارهایی می‌تواند بکند؟

سیاست ۴

بر در آریاب بی‌مروت قدرت

پدیدارشناسی جنگ

چگونه سوسیال دموکرات شدم

یادداشت ۱۲

استرس شغلی در کارگران

رنگین کمان مدارس در ایران

ورودهای غیر مجاز

مصاحبه ۱۷

وقتی مطالبه ای باشد، دولت تلاش خواهد کرد تا پاسخی فراهم کند

سند چشم انداز ایران

اندیشه ۲۴

روایت و پند

نعمت خرسندی و درویشی

محیط زیست ۲۹

بیانیه روز جهانی مبارزه با تغییر اقلیم دوم آبان

مزایای انتخاب یک مدیر بومی برای محیط زیست

کتاب ۳۲

نحیف، مثل تاریخ!

بالکن رسوایی

ایرانگردی ۳۷

کلیسای وانک

اخبار جهان (۸۶) ۳۹

اخبار حزب ۴۳

مجمع عمومی سالیانه حزب اراده ملت ایران

شورای شهر باحاما

حامانیوز در اینستاگرام فعال شد

(بعضی از مطالب این نشریه گردآوری می‌باشد و بسیاری از عکس‌ها از سایت‌های مختلف برداشته شده است. از

همه تهیه‌کنندگان اولیه تشکر مینمائیم)

دولت چهاردهم چه کارهایی می تواند بکند؟



افشین فرهانچی

afarhanchi1970@yahoo.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

و اما در سطح سوم، که طراحی و اجرا فرایندهای اصلاحی است؛ گرچه دولت چهاردهم خیلی سریع و سزارین وار متولد شد و دکتر پزشکیان بدون داشتن فرصت کافی برای تیم سازی، برنامه نویسی و طراحی فرایندهای اصلاحی پای به کارزار انتخاباتی نهاد؛ اما انتظار میرود بتدریج و با کمک کارشناسان و صاحب نظران فرایندهای اصلاحی را تدوین و در ادامه اجرا نماید. و گر نه ساختار مدیریتی قوه مجریه خیلی سریع دچار روزمرگی خواهد شد.

نحوه نگاه دکتر پزشکیان و حلقه اول مدیران ایشان به مسئله برنامه نویسی و طراحی پروژه، سن بالای حلقه اصلی مدیریتی ایشان و عدم وجود خلاقیت در اکثر وزرا و معاونین، نحوه گزینش و معرفی وزرا و معاونین که تقریباً بطور مطلق بدون برنامه بودند، ناقص و ناکافی بودن برنامه هفتم برای مدیریت کلان و اجرایی کشور، برنامه گریزی نهادینه شده در ساختار مدیریتی و اداری همه عواملی هستند که طریق سوم را نیز با چالش های بسیاری روبرو کرده است.

خلاصه اینکه دکتر پزشکیان و دولت مطبوع ایشان راه بسیار دشواری را برای تمشیت امور در پیش دارند و بجز راه اول که در آن شانس موفقیت بالا است و شاید بتواند کورسوی امیدی را ایجاد کند، روش های دوم و سوم منجر به نتیجه ملموسی نخواهد شد.

البته بسیاری از صاحب نظران، ارباب جرید و کنش گران حزبی و اجتماعی از همان ابتدا به این مسئله اشراف داشتند و همین مقدار رانیز پیروزی بزرگی به شمار می آوردند. اما بسیاری از افراد جامعه خصوصاً ۵۱ درصدی که در نهایت در انتخابات مشارکت نمودند به این میزان موفقیت بسنده نخواهند کرد و کماکان دل زده و ناامید از تغییرات و اصلاح باقی خواهند ماند.

دولت پزشکیان اگر می خواهد موفقیت نسبی کسب نماید، باید بر روش سوم پای فشارد. حتی اگر مدیران را تغییر نمی دهد لازم است که رویه ها و فرایندها را تغییر دهد. بسیاری از مدیران ما، خصوصاً در لایه های میانی، پائین و سطوح کارشناسی، نشان داده اند که می توانند خود را با تغییرات همراه نمایند. به شرط اینکه هم برنامه ها و پروژه های کلان بدرستی تدوین شده باشد و هم مدیران ارشد مصرانه و با اسلوب های جدید ایشان را با فرایندهای جدید همراه نمایند. پافشاری بیش از حد دکتر پزشکیان بر محدود ماندن در برنامه هفتم و عدم توجه کافی به لزوم تدوین برنامه های خلاقانه، بدیع، مبتنی بر علم روز و مشارکتی میتواند خیلی سریع دولت را از حیز انتفاع بیاندازد و شبیه به دولت آقای ریسی زمین گیر و ناتوان در حل مسائل نماید.

حال باید منتظر ماند و دید که در پایان صدروزی دولت جدید چه مقدار پیشرفت حاصل شده است.

زنده و پاینده ایران و ایرانیان

دکتر مسعود پزشکیان در قامت ریاست دولت چهاردهم به سه طریق می تواند دست به اصلاح یا تغییر ریل کشور - البته در محدوده اختیارات و امکانات قوه مجریه - بزند.

یک. بازگرداندن روال های اشتباه و پراسیب گذشته و جلوگیری از عملیاتی شدن فرایندهای آسیب رسان
دو. تعویض و تغییر نیروهای نامناسب و ناکارآمد دولت های گذشته و فرصت دادن به نیروهای جوان تر و متخصص
سه. اجرا فرایندهای اصلاحی جامع یا جزئی در ساختارها و سطوح مختلف
برای اجرایی نمودن این سه طریق، طبعاً ایشان نیاز به هماهنگی های بسیار و رایزنی های پیچیده با هسته سخت قدرت، گروه های فشار، ذینفعان محلی، صاحبان قدرت و نهادهای قانون گذار و اداری دارد

در سطح اول که به نظر ساده ترین و در دسترس ترین سطح است؛ کافی است که ایشان و تیم همراهشان روال های غلط گذشته را شناسائی و احصا نمایند (این کار به بهترین وجه توسط مردم، کنشگران سیاسی و رسانه ای و اقشار و اصناف مختلف صورت گرفته است)؛ و در ادامه با رایزنی های فشرده و روال های قانونی موجود، اقدام به حذف و تغییر این روال ها نمایند. برای محقق ساختن این روش، دولت و ریاست جمهور نیروی انسانی زیادی نیاز ندارند و یک تیم چابک و هوشمند می تواند این کار را مدیریت نماید.

از نمونه های این اصلاح رویه های اشتباه می توان به حذف ارائه تعهدات غیر معمول برای دستیاران پزشکی، بازگرداندن اساتید تعلیمی به دانشگاه ها، اصلاح میزان پایه حقوق کارگری و نظایر آن اشاره کرد. تمام این موارد بیش از نیروی فیزیکی، برنامه ریزی و ساختار بوروکراتیک نیاز به تیم پیگیری و رایزنی های فشرده دارد.

در سطح دوم، تغییر مدیران در لایه های مختلف ساختار اداری و مدیریتی کشور قرار دارد. این کار هم صعب و هم پر تنش است. جدا از شناسائی نیروهای مناسب که خود کاری طاقت فرسا و پیچیده است، مقاومت در برابر این تغییر نیروها بسیار زیاد خواهد بود.

شعار و استراتژی وفاق ملی باعث شده است که دست دولت برای یک جانبه عمل کردن محدود شود. مجلس اصول گرا به شیوه های مختلف سد دیگری در برابر این تغییرات است. اعمال نفوذ از طریق استعلامات متعدد نیز میتواند مانع دیگری در برابر این تغییرات مدیران ایجاد کند.

لذا در نهایت، این روش در شرایط فعلی، چندان موثر و کارآمد نخواهد بود؛ همان گونه که تاکنون و طی دو ماه اخیر تغییرات مدیریتی رخ داده، چندان در راستای اصلاحات و تغییر نبوده است.

سیاست



بر درارباب بی مروت قدرت



زهره رحیمی

RAHIMI_ZOZO2003@yahoo.com

شکیبایی ورزیدند. آنها که همیشه خواسته یا ناخواسته، از گردونه‌ی قدرت مرکزی کنار نگاه داشته شدند و کمتر گویی، صدایشان را شنیده است. اما سالهای متمادی در حوزه‌های مختلف از محیط‌زیست گرفته تا سیاست برای ایرانی سربلندتر، اراده و عمل به خرج داده‌اند. آری این نیروها بواسطه سالها حضور بردبارانه و تلاش و تعامل با جامعه، حرف‌های بسیاری برای زدن دارند، اما دستشان از ضریح قدرت و قدرتمندان همراه دور بوده است. حالا دقیقاً پرسش این متن همین است: کجاست آن سازوکاری که دولت تازه به دوران صدارت رسیده، این نیروهای مآخوذ به حیای سیاسی را به مشارکت فراخواند؟ دقیقاً با چه مکانیسم و برنامه‌ای قرار هست که دولت صدای بیصدایان، پای تجارب و پیشنهادات و تذکرات این قشر از جامعه بنشیند؟ اساساً چرا باید چنین سرمایه‌های مدنی و سیاسی، برای برقراری کوتاهترین تماسی با عناصر دولت و مسئولین پیروز، ساعتها روزها از این در به آن در بزنند؟ چرا باید برای پیدا کردن یک شماره تماس یا گرفتن یک وقت ملاقات، از ده‌ها رابط و ذی‌نفوذ کمک بگیرند بلکه فرصت رساندن پیامی پیدا کنند؟ اسفبارتر اینکه این شکل از تمنای یکسویه برای برقراری رابطه با دولت و این چرخه عقیم ارتباطی بین دولت و فعالین و نهادهای مدنی، به یک رویه رایج در سیاست و حکمرانی مابدل شده است. یعنی انگار این رفتار، به خود کنشگران هم نشسته است که برای چنین مشارکتهایی و پیام‌رسانی‌هایی، راهی و سازوکاری جز این تقلاهای نابسامان نیست.

اساساً فارغ از اینکه هر گروه یا فعالین سیاسی یا حاضران مدنی، حرف و پیامشان چقدر صحیح، عملی، واقع‌گرایانه و مهم هست یا نیست؟ چرا سپهر سیاسی مافقد مکانیسم‌های معقول و کارآمد و کم‌هزینه برای جلب چنین مشارکتهایی است؟ چرا رساندن این پیام‌ها و حرف‌ها به گوش مسئولین چنین چهره‌ی آشفته و ناشایست و حتی نامیسری به خویش گرفته است و جز آن در تصویرها نیست؟ مگر نه اینکه اساساً بساط قدرت و جلال و جبروت دولت، برای خدمت و در خدمت مردم معنا می‌یابد و لاغیر؟ پس این تقلاهای دور از شاعن، برای ساده‌ترین ارتباط با مسئولین چه معنا و جایگاهی دارد؟ در سایه فقدان نظام حزبی و همزمان مدعی مردمی بودن، دولتمردان دقیقاً مطابق با چه نظام شایسته و موثری، قرار هست که صداهای بیصدا را بشنوند؟ و چرا بساط این روال‌های ناصواب و بی‌سامان در مسیر رساندن پیام مردم به متولیان امور مملکتی جمع نمی‌شود و جایش را نظامات پویا و خردمندانه و سازنده و رضایت‌بخش نمی‌گیرد؟

از آنجا که این هفته نامه ارگان حزب اراده ملت است و منعکس کننده مواضع حزب، لازم است به عنوان مدیر مسئول توضیحی خدمت مخاطب گرامی داشته باشم. نکته ای که از فحوای جمله آغازین این یادداشت بر می آید این است که یکی از اعضای ارشد حزب در این سلسله یادداشت‌ها بیشتر در صدد بیان مواضع خود می‌باشد. ایشان به درستی و به عنوان نماینده، بازنمایی بخشی از جامعه را که از قضا نتایج انتخابات نشان داد تعدادشان هم کم نیست، بر عهده گرفته است گرفته شده است. چه تحریمی باشیم و چه نباشیم همه دل در گرو صلاح و فلاح ایران عزیزمان داریم. همه تلاش می‌کنیم برای ساختن ایرانی که در آن زیستن معنای اصلی و اصیل خودش را به منصف ظهور برساند و ...

در این دوره از انتخابات، من از میان جماعت تحریم کنندگان بودم. آنها که با آگاهی و استدلال البته، به حضور در انتخابات «نه» گفتند. نه از اینرو که کلاً احساس بی‌اثری می‌کنند که دقیقاً برعکس. این «نه گفتن‌ها» را از اثربخش‌ترین تجلی‌های قدرت مردم برای شنیدن صدایشان می‌دانند. اما به واسطه صفت حزبی‌ام، ابداً از این کارزار انتخاباتی پرهیز دور نبودم و طپش‌ها و جریاناتش را به نزدیکی رگ گردن، می‌فهمیدم. لذا از هنگام زمزمه‌های انتخابات ناگهانی، این مسیر هزار بار آزموده را با نگاهی جستجوگر و نقاد دیدبانی کردم.

با حوادث پیش از روز رویداد، آنجا که هر شهروندی فروتنانه و محترمانه، به مشارکت و حضور در کارزار فراخوانده می‌شود، کاری ندارم. همینطور از زمان اعلام نتایج هم اینجا سخنی ندارم. در این یادداشت تمرکز بر دوران پس‌انتخابات و بعد از معلوم شدن نتایج است. آنهنگام که سوی پیروز ماجرا به کوی مقصود رسیده و بقولی خرس از پل می‌گذرد.

دقیقاً از این زمان است که برای ارتباط یا ملاقات نیروهای حتی درجه چندم ستادی که تا دیروز چشم‌در چشم در راهروها و پله‌ها و طبقات ستادهای انتخاباتی شانه به شانه می‌شدی، باید صبر ایوب و اراده فولادی پیدا کنی. بلکه بتوانی احدی از این جماعت پیروز را به چند کلمه گفتگو در خلوت و تمرکز بیابی. این نکته را هم تأکید کنم که در تمامی این سلسله یادداشت‌ها، بیشتر تمرکز من بر فعالین مدنی و تشکیلاتی است و با فوج فوج گرسنگان قدرت و آدم‌های دروغینی که هر جابوی کباب به مشامشان برسد، حاضر می‌شوند و در دیگر روزها، هیچ اثر مدنی موثری از ایشان نیست، کاری ندارم. اشاره من به نیروهای پایدار میدان کنشگری مدنی است. آنها که طی سالیان، فارغ از اینکه چه داده‌اند و چه گرفته‌اند، تنها به امید اندک گشایشی در وضعیت جامعه و کشور و فضای سیاسی، خون دل خوردند و



هفته نامه غیر برخط اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



پدیدارشناسی جنگ



کورش الماسی



در خاورمیانه ریشه‌های منطقه‌ای دارد؟ به عبارتی، آیا رابطه علت و معلولی میان جنگ و خشونت با منطقه خاورمیانه وجود دارد؟ و یقیناً پرداختن به ریشه‌های جنگ‌ها و خشونت بی‌پایان در خاورمیانه بسیار فراتر از توان و مجال یک موز است، باوجوداین به منظور درک هرچند کلی ریشه‌های احتمالی و چرایی جنگ‌ها و خشونت بی‌پایان در خاورمیانه، تبیین کلی و مختصری از مفاهیم رفتار، خشونت و جنگ ارائه می‌شود.

رفتار: به بیانی کاربردی، رفتار معطوف به حرکات فیزیکی انسان (با ریشه‌های روان‌شناختی) به مثابه سازوکار تحقق انواع نیازهای «طبیعی، روان‌شناختی و اجتماعی» است. به بیانی دیگر، رفتار مترادف با تعامل، کنترل، تغییر و بهره‌برداری انسان (موجودات در زیست طبیعی) از محیط زیست است.

میان وقایع و محیط به مثابه زمینه وقایع، رابطه علت و معلولی وجود دارد. به عنوان مثال، درخت خرما در آب‌وهوای گرم جنوب کاشته می‌شود و میوه می‌دهد. اینکه فردی تلاش کند درخت خرما را در آب‌وهوای سرد اردبیل بکار و انتظار دریافت میوه از درخت داشته باشد، حاکی از عدم شناخت فرد از رابطه علت و معلولی میان درخت خرما با جغرافیا و آب‌وهوای گرم است. اجازه دهید از رابطه علت و معلولی درخت خرما با شرایط محیط گرم، برای فهم ریشه جنگ‌ها، تنش‌ها، خصومت‌ها و نزاع‌های بی‌پایان در خاورمیانه کمک بگیریم. به عبارتی، چرا این همه جنگ و خشونت در خاورمیانه وجود دارد؟ چرا مردم مناطق دیگر جهان مانند شهروندان خاورمیانه گرفتار جنگ‌ها و خشونت‌های طولانی مدت، بی حاصل و بی پایان نیستند؟ منشأ جنگ و خشونت در خاورمیانه چیست؟ آیا جنگ‌ها و خشونت‌ها

روش‌های نوین، کم‌هزینه و پایدارتری برای کسب «منافع ملی» در عرصه روابط بین‌الملل ایجاد شد. به عبارتی، توسعه صنعت، تجارت، فناوری و... به‌مثابه دستاوردهای توسعه علوم، زمینه تحقق منافع ملی از طریق تعامل و دیپلماسی با کشورها دیگر، جایگزین جنگ شد. اگر تبیین کلی و مختصر مفهوم خشونت و جنگ منطقی و کاربردی تلقی شود، آن‌گاه باید پرسش شود که چرا در عصر توسعه علوم، در عرصه‌های گوناگون صنعتی، تجاری، اقتصادی و... برخی کشورها برای کسب منافع(؟) به جای تعامل و دیپلماسی، متوسل به خشونت (جنگ) می‌شوند؟ دو دلیل یا منشأ برای وقوع جنگ در عصر توسعه تجارت، صنعت، اقتصاد، فناوری و... به‌مثابه ابزار تعاملات کم‌هزینه و سودمند در راستای تحقق منافع ملی، محتمل است. یک، جنگ‌های مهندسی‌شده از طریق استعمارگران (انرژی‌خواران غربی و شرقی)؛ به عبارتی کشورهای استعماری از طریق عوامل بومی، اصلی‌ترین عامل ایجاد جنگ هستند. بنا بر شواهد بسیار، می‌توان ادعا کرد که جنگ‌ها و نزاع‌ها در خاورمیانه، دلایل و ریشه‌های بومی ندارند. دو، «توسعه‌نیافتن علوم انسانی و علوم اجتماعی» به‌مثابه درک علمی پدیده‌ها و امور انسانی و اجتماعی در کشورهای خاورمیانه، زمینه مدیریت سیاسی مبتنی بر «اندیشه‌ها و روش‌های باستانی» و در نتیجه توسل به جنگ برای کسب منافع یک اقلیت است. به‌طور کلی، مختصر و کاربردی‌ترین بیان، دیپلماسی به‌مثابه رفتار خرد و دانش‌بنیاد، معطوف به تحقق منافع ملی مبتنی بر فهم علمی (جمعی) امکانات و توانایی‌های بومی و توازن قدرت در عرصه روابط بین‌الملل است. امر پنهانی نیست که نفوذ انرژی‌خواران غربی و شرقی در دولت‌های خاورمیانه اصلی‌ترین عامل انواع وقایع (نزاع‌ها) و تحولات در خاورمیانه بوده و هست. نکته‌ای که مېهن‌دوستان باید به آن توجه ویژه داشته باشند، این است که «آیا ممکن است وقایع اخیر در خاورمیانه حاکی از اراده انرژی‌خواران برای تغییر نظم، مناسبات و ساختار قدرت در خاورمیانه باشد؟». در پایان، «جنگ و منافع و امنیت ملی یک پارادوکس (مانند کاشتن درخت خرما در اردبیل) بدیهی است». اینکه با توجه به شرایط داخلی، منطقه و جهان، تنها مسیر و راهکار تحقق منافع ملی و امنیت، «دیپلماسی و صلح» است.

خشونت: در زیست طبیعی سازوکار یا نظمی برای قضاوت اخلاقی رفتار موجودات وجود ندارد؛ بنابراین رفتار انواع موجودات همان است که باید باشد. به‌عنوان مثال، وقتی یک شیر یا ببر در حال دریدن گلولی یک آهو است، بیان عبارت ببر رفتار خشونت‌آمیز در مقابل آهو دارد، بی‌معنی است. به عبارتی، تبیین و قضاوت رفتار موجودات در زیست طبیعی با مفاهیم نامطلوب، خشن، «غیر حیوانی» و... بی‌معنی است. نظم حقوقی حاکم و تنظیم‌کننده مناسبات و روابط اجتماعی، بنیاد و زمینه نظام ارزشی و قضاوت رفتار انسان‌هاست؛ بنابراین دلیل خشونت تلقی کردن یک رفتار در زیست اجتماعی و عادی تلقی کردن همان رفتار در زیست طبیعی، قانون (نظم حقوقی) است. از این‌رو صرف‌نظر از تأثیرات روان‌شناختی و احساسی، خشونت معطوف به رفتاری است که مغایر و در تضاد با قوانین اجتماعی باشد. به‌عنوان مثال، طبق قوانین رایج و مستقر، رسیدگی و حل‌وفصل انواع اختلافات میان شهروندان وظیفه نهادهای انتظامی و قضائی است. از این‌رو بی‌توجه به اینکه حق با کیست، اگر شهروندی به هر دلیل به شهروند دیگری آسیب جانی، مالی یا روحی بزند، گفته می‌شود که فردی که به شهروند دیگر آسیب زده است، مرتکب خشونت شده است. بنابراین قانون (نظم حقوقی) سنگ محک خشونت‌آمیز بودن یا نبودن یک رفتار است. بی‌شک فهم چرایی وقوع خشونت نیز دارای اهمیت است. به عبارتی چرا و در چه شرایطی افراد، گروه‌ها و حتی ملت‌ها متوسل به خشونت می‌شوند؟ به بیانی کاربردی، ترس، خطر، نیاز، مورد ظلم و بی‌عدالتی قرار گرفتن، ناامیدی و... می‌تواند جزء عواملی باشد که موجب و زمینه وقوع خشونت می‌شود.

جنگ: به کاربردی‌ترین بیان، «خشونت جمعی» است. خشونت جمعی در درون مرزهای جغرافیایی یک دولت-ملت حاکی از «غیر کاربردی شدن نظم حقوقی حاکم بر مناسبات اجتماعی» است. در حالی که در عرصه روابط خارجه فاقد نظم حقوقی، وقوع جنگ به منظور کسب منافع (ملی) پدیده‌ای رایج در تاریخ جوامع بوده و هست. اما با توسعه علوم در عرصه‌های گوناگون به‌ویژه در علوم انسانی و علوم اجتماعی که در عصر روشنگری به وقوع پیوست،



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳





هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

چگونه سوسیال دموکرات شدم



سروش دباغ



در دهه های هفتاد و هشتاد شمسی سده پیشین، سخت دلبسته آموزه های مکتب لیبرالیسم و نظام حکمرانی لیبرال دموکراسی بودم. نقاط قوت و رهگشایی در آن می دیدم که در مکاتب رقیب، آنها را نمی یافتم. خواندن آثار متفکران و فیلسوفان لیبرالی نظیر جان لاک، جان استوارت میل، کارل پوپر، آیزایا برلین و... دفاع تمام قد اخلاقی و انسانی آنها از «حقوق طبیعی»، «حقوق اقلیتها»، «جامعه باز»، «آزادی منفی / آزادی مثبت»، «جامعه مدنی» و «پس زدن توتالیترایسم و دیکتاتوری اکثریت» مهر آموزه های لیبرالی را در دلم نشانده بود؛ آموزه هایی که دایره مدار مدنیت و پاسداشت آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی بود و محکوم کردن دشمنان متنوع و گوناگونش. نفس کشیدن در فضای سنت فلسفه تحلیلی و غوطه خوردن در آراء فیلسوفان اخلاق، دین و سیاست

آنگلوساکسون، در ایام تحصیلم در انگلستان هم البته در این امر تاثیر گذار بود.

افزون بر این، دو امر دیگر در این میان نقش جدی ایفا میکرد؛ اول زیستن در ذیل فضای استبداد دینی مستقر که به بهانه های گوناگون آزادیهای اجتماعی و سیاسی را نقض میکرد و هر چه پیشتر میآمد رکن جمهوریت را بیشتر به محاق می برد و حقوق شهروندی را به نحو نظام مند پایمال میکرد. نخله روشنفکری دینی-نواندیشی دینی متاخر-بامحوریت «حلقه کیان» نیز که در آن روزگار در پی بدست دادن قرائتی لیبرال از اسلام بود و در اندیشه جمع میان دینداری و جهان جدید، و لیبرالیسم را «مکتب حق

اراده ملت؛ بسیاری از عبارتها، مفاهیم و اصطلاحات، در زیست بومهای فرهنگی مختلف دستخوش تغییر می شوند چنانکه اصطلاح "چپ" یا "راست" معنای متفاوتی در ایران دارند. برعکس سپهر سیاسی و ادبیات سیاسی در جهان، در ایران، لیبرالها را مایل به چپ می خوانند در حالیکه عموماً سوسیالیستها چپگرا تلقی می گردند.

دکتر سروش دباغ، فرزند دکتر عبدالکریم سروش، با همه ی شباهت ها و تفاوت ها در اندیشه و فکروزی، همچون پدر، به آزادی خواهی و متعاقب آن به لیبرالیسم مایل است. اما چنانکه سیاق واقعی فیلسوف، پافشاری بر یک باور نیست، او نیز همواره در بازاندیشی در تفکراتش است.

تجربیات و مطالعات هر شخص، لحظه به لحظه در نوسان است. فیلسوف پر کار و پر مطالعه ی مورد اشاره ی ما نیز، به حق، چنین است.

تجربه ای که وی در مقاله ی پیش رو، قلمی نموده، تجربه ی مشترکی با بسیاری از سوسیال دموکراتهاست. بسیاری از ما، در پی آزادی خواهی بوده ایم اما با دیدن مصادره ی این مفهوم مبارک توسط نئولیبرالها، لازم دیدیم که در آرمانمان تجدید نظر کنیم چون تجربه ی زیسته ی ما به ما نشان داد که آزادی بدون عدالت و بدون همبستگی، نه امکان تحقق دارد و نه تحققش مطلوب است. زندگی به ما نشان داد که پیچ های جاده، هم چپ دارد و هم راست. پس گردش به سمت چپ هم برای مقاطعی لازم است. مقاله ی پیش رو، با اجازه ی دکتر دباغ از کتاب "راههای طی نشده" برگرفته شده.

محیط امن خانواده برای فراموش کردن فرهنگ بومی و یاد گرفتن زبان و فرهنگ انگلیسی و فرانسوی. این امر به دلالت و هدایت دولت و توسط نهاد کلیسا برای دهه ها انجام می شد. پیدا شدن برخی گورهای دسته جمعی، طی دهه ها و سالیان اخیر، از ابعاد این فاجعه شوم بیشتر پرده بر گرفته و اسباب شرمندگی وجدانهای بیدار را فراهم کرده و به معنای لویناسی، «احساس گناه ناشی از نجات یافتن» [۱۱] را در آنها برانگیخته است. بچه هایی که به اجبار از خانه جدایی شدند و در فضایی مثل سربازخانه بسر می بردند و روزگار را سپری می کردند؛ یا بر اثر بیماری یا هنگام فرار و به امید واهی پیوستن به خانواده های خود، جان می باختند و راهی سینه قبرستان می شدند. متأسفانه، آثار و نتایج این جنایت، همچنان بر پاست و نسلهای بعدی با این «ترومای بین نسلی» [۱۲] دست و پنجه نرم می کنند [۱۳] و نیازمند باز یابی سلامت روان از دست رفته خود، توسط روان پژوهان و روان درمانگران اند. [۱۴] شبیه همین ماجرای تلخ بر بومیان آمریکا رفته است. افزون بر این، قصه پر غصه سرزمین فلسطین و آنچه بر ساکنان مظلوم این دیار طی هفتاد و پنج سال گذشته رفته، مصداقی دیگر از پدیده استعمار است. از نقش کشور انگلستان، پس از پایان جنگ جهانی دوم، در پیدایی دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ که پس بگذریم؛ دیده خطاپوش کشورهای آمریکا، انگلیس فرانسه و آلمان... در برابر جنایات دولت و ارتش اسرائیل در حق مردمان بی پناه فلسطین، حقیقتا دل آزار و ناامید کننده است. آخرین فقره از این قصه سوزناک درازدامن، جنگ اخیر غزه است و کشتار حدودا ۱۸ هزار فلسطینی و همراهی کشورهای یاد شده با دولت اسرائیل. می توان رفتار گروه حماس در مواجهه با افراد و شهروندان غیر نظامی اسرائیلی، اعم از گروگانگیری و کشتار را محکوم کرد؛ می توان سیاستهای ناکارآمد، غیر واقع بینانه و رهن جمهوری اسلامی درباره اسرائیل را نقد جدی کرد در عین حال کشتار بی امان فلسطینی ها توسط دولت اسرائیل را آشکارا و صریح محکوم کرد. متأسفانه، دولتهای غربی صحنه گردان عرصه سیاست جهانی، سکوت معناداری در این باب کردند و بر ظلم عیان جاری صحنه نهادند؛ همچنانکه در جنگ سی و سه روزه ی هفده سال پیش اسرائیل و لبنان چنین کردند. تلخکامانه نسل کشی ای که توسط ارتش نازی در حق یهودیان در جنگ جهانی دوم در «آشویتس» رخ داد [۱۵]، اکنون به نحوی دیگر در حال رخ دادن است؛ آن ایام، یهودیان ساکن اروپا قربانی بودند و اکنون فلسطینیان ساکن خاورمیانه آن دوران، از یهودیان «انسان زدایی» [۱۶] می شد و امروز از فلسطینیان انسان زدایی می شود. قاعدتا، هر بلایی هم می توان بر سر موجوداتی آورد که از درجه انسانیت ساقط شده اند.

به نزد من، در اردوگاه سوسیال دموکراسی، در قیاس با ساکنان اردوگاه لیبرال دموکراسی؛ با مسائل چهارگانه یاد شده، در مجموع، مواجهه انسانی تر، اخلاقی تر و رهگشتری صورت گرفته است.

مواجهه متفکران غربی نامبرداری چون لویناس و هابرماس با مسئله اسرائیل در دهه های اخیر نیز اسباب تأسف و مأیوس کننده است و یادآور این امر تلخ و تکان دهنده که گویی ساکنان خاورمیانه به نزد این حضرات، همچنان در زمره «دیگری» غرب اند و درد و رنج و حقوق بنیادینشان چندان بحساب نمی آید [۱۷]. رفتاری که با مهاجران اوکراینی می شود، بارفتاری که با مهاجران سوری می شود متفاوت است، به رغم اینکه در هر دو مورد ظلم عیان واقع گشته و مجبور به ترک دیار و کاشانه خود شده اند؛ چرا که اولی غربی و چشم آبی است و دومی خاورمیانه ای و چشم سیاه. می توان بر فهرست این سیاهه افزود و فی المثل آنچه در خاورمیانه طی بیست سال اخیر رخ داده، مشخصا حمله آمریکا و انگلستان در دوران زمامداری جرج بوش و تونی بلر به کشور عراق به بهانه واهی وجود «سلاح های کشتار جمعی»، همچنین حمله آمریکا و متحدانش به لیبی را در

مداری «میشناخت و می شناساند و از «مبنای تئوریک لیبرالیسم» [۲] و «رهایی از یقین و یقین به راهی» [۳] سراغ میگرفت و سخن می گفت؛ در یک فرایند دیالکتیکی، جهت نقد مبنای انسان شناختی و معرفت شناختی حکومت دینی موجود، آموزه های لیبرالی را بر کشید و بر جسته کرد و در این مسیر، کامیاب بود و کثیری را با خود همدانستان کرد. دوم، فروپاشی نظام سیاسی اتحاد جماهیر شوروی سابق که بر گرده آموزه های چپ گرایانه مارکسیستی منسلخ از آزادیهای فردی بنا شده و بالا رفته بود. در آن روزگار، انقلاب روسیه لنینی سر از توتالیتاریسم دهشتناک و رعب افکن استالینی، استبداد چینی مائویی و نسل کشی خمرهای سرخ کامبوجی در آورده بود و آموزه های مارکسیستی - سوسیالیستی را که در سودای برقراری برابری و عدالت در سده نوزدهم سر بر آورده بود، تا میزان قابل توجهی بدنام کرده و اندیشه های چپ کلاسیک را به محاق برده بود. چرا که از قضا سرکنگبین صفا «فزود و برابری و برادری وعده داده شده، مچاله و نابود گشته و در نظامهای سیاسی یاد شده، «گولاک» و «میدان تیان آن من» و کشتار و شکنجه و تبعید نصیب منتقدان و معترضان شده بود.

در حال حاضر خود را یک سوسیال دموکرات میدانم و به رغم اینکه همچنان به ارزشهای «عصر روشنگری» [۴] با محوریت «آزادی» و «اصل غایت بودن انسان» به معنای کانتی عمیقا باور دارم و پایبندم

مجموع عوامل سه گانه فوق، در ذهن و نگاه من ریزش کرده و به مدت بیست سال، نگرش سیاسی مرا سخت تحت تاثیر قرار داده بود. از ابتدای دهه نود شمسی، رفته رفته تر کهایی در این نگاه پدیدار شد و طی قریب به ده سال از آن گذار کردم، به نحوی که در حال حاضر خود را یک سوسیال دموکرات میدانم و به رغم اینکه همچنان به ارزشهای «عصر روشنگری» [۴] با محوریت «آزادی» و «اصل غایت بودن انسان» به معنای کانتی عمیقا باور دارم و پایبندم؛ در عین با حال نظام سیاسی سوسیال - دموکراسی که با میراث عصر روشنگری بر سر مهر است، به تفکیک قوا، ساز و کار دموکراتیک و حقوق اقلیتها عمیقا احترام می گذارد و با اندیشه های نو گر خورده و حاملان و قائلانی چون آدورنو و لوکاچ دارد، همداسـتـانم و آنرا در روزگار کنونی موجه تر، انسانی تر و اخلاقی تر می انگارم. این عبور و گذار، به شرحی که در زیر می آید، به چهار دلیل، در زیست جهان ام رخ داده است. اول، عنایت جدی به پدیده تلخ «استعمار». نیمه اول دهه نود شمسی، روزگاری که در دانشگاه تورنتو مشغول تدریس و تحقیق بودم کتاب «شرق شناسی» [۵] ادوارد سعید را خواندم و در کلاس استادی که این کتاب را تدریس می کرد، شرکت کردم. بصیرت های سعید برایم تأمل برانگیز بود. این مهم که برای سالیان متمادی و قرونی چند، ما شرقی ها، «دیگری» غرب بوده و نمادی از «عقب ماندگی» [۶] و کم مایگی و کم هوشی و ناتوانی، توجهم را بیش از گذشته به ساز و کار استعمار جلب کرد. در ادبیات موسوم به «پسااستعمارگرایی» [۷] این مواجهه به نیکی واکاوی شده است. طی سده های اخیر و در روزگاری نه چندان دور، کشورهای انگلستان اسپانیا، فرانسه، پرتغال... استعمارگر بودند و کشورهایی چون هند، مکزیک الجزایر مراکش... رسماً مستعمره کشورهای یاد شده بودند. [۸] سوگمندانه، پدیده استعمار که سوبه های انسانی و اخلاقی دل آزاری دارد، به سده های پیشین منحصر نمی شود. رفتار دولت های کانادا و آمریکا با ساکنان بومی سرخپوست [۹] این دو سرزمین، در سده های نوزدهم و بیستم، مصداق تلخ دیگری از روابط و مناسبات استعماری است در کانادا. از اواخر سده نوزدهم تا نیمه دوم سده بیستم، پدیده ای رخ داد که برخی از محققان از آن به «نسل کشی فرهنگی» [۱۰] تعبیر کرده اند؛ گرفتن بچه های بومی به ضرب و زور از والدین و اسکان دادن آنها در سرزمینی دور از



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶
۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

این سیاق فهمید. با این حملات، البته دو دیکتاتوری که برای سالیان متمادی بر این دو کشور حکومت می کردند و از ستاندن جان و مال و آبروی شهروندان دریغ نمی ورزیدند، ساقط شدند؛ اما مردمان و ساکنان مصیبت زده این دو کشور در این میان بهای سنگینی پرداختند و درد و رنج بسیاری کشیدند و همچنان طعم آزادی و عدالت و امنیت را به درستی نجشیده‌اند.

دوم، مسئله و مقوله عدالت اجتماعی [۱۸] است. لیبرالیسم در مقام تحقق با سرمایه داری گره خورده؛ به نحوی که قدرتمندترین و ثروتمندترین کشور دنیا، یعنی آمریکا، با نظام کاپیتالیستی و اقتصاد سرمایه داری سخت عجین شده است. روزگاری تحت تاثیر ایده های اقتصادی آدام اسمیت و فون هایک بوم و بازار آزاد و مناسبات رقابتی و عمومی خودجوش شهروندان و صاحبان صنایع و سرمایه با یکدیگر را سخت می پسندیدم. هرچه پیشتر آمدم، رهگشایی دولتهای رفاهی [۱۹] که در کشورهای اسکاندیناوی مستقراند، بر من بیشتر مکشوف شد و به همین میزان از سرمایه داری کلاسیک که با لیبرالیسم گره خورده فاصله گرفتم. برقراری عدالت اجتماعی به افزایش «خیر عمومی» [۲۰] شهروندان و کاهش درد و رنج بیشترینه آنها می انجامد؛ آنچه در ادبیات فلسفه اخلاق به «فایده گرایی قاعده محور» [۲۱] موسوم است. به تعبیر دیگر، برقراری قواعد و قوانینی در سطح جامعه که مضمّن بیشینه شدن فایده و کمینه شدن درد و رنج برای اکثریت افراد جامعه باشد. چنانکه در می یابم و تجربه زیسته ام نیز بر آن گواهی می دهد، نظام سرمایه داری موجود نمی تواند به این مهم وفا کند. از سوی دیگر، اقتصاد دولتی متمرکز نیز آفات جدی ای دارد و آثار و نتایج سوئی بر آن مترتب است. در این میان، به عنوان مثال، دولتهای رفاه که مقوله عدالت اجتماعی و پرداختن به اقشار کم درآمد و آسیب پذیر را به نحو جدی و روشمندی در نظر دارند و سیاستهایی در راستای کاهش درد و رنج مردمان از طریق رفع نیازهای اولیه را در دستور کار خود قرار داده و اجرا میکنند؛ در مجموع، شادکامی [۲۲] بیشتری را برای شهروندان رقم می زنند؛ امری که انسانی تر و اخلاقی تر است و سازوار با پاسداشت و تحقق عدالت اجتماعی در میان شهروندان.

هم مسئله استعمار، هم مسئله عدالت اجتماعی، هم مقوله سلامت روان و رهایی از خود بیگانگی در دنیای پر قیل و قال کنونی و هم نحوه دخل و تصرف در منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست، به نیکی دیده و صورت بندی شده و به قدر وسع، راهکارهای واقع بینانه تر و موجه تری در راستای افزایش خیر عمومی در جوامع انسانی اقامه شده است.

سوم، مسئله سلامت روان [۲۳] و خرسندی است. مصرف گرایی [۲۴] از مقومات لیبرالیسم گره خورده با سرمایه داری موجود است. دعوت مدام و مستمر به خرید کالاها توسط شرکتها و موسسات بزرگ و کوچک و القاء این امر به شهروندان که در مسابقه زندگی از بقیه عقب افتاده و سایرین پیشی گرفته اند، از مقومات نظام سرمایه داری است. در این نظام رقابت محور، درآمد بیشتر، لزوماً راحتی و آسایش بیشتر را برای شهروندان رقم نمیزند؛ که با ترفندهایی، نیازهای جدید و کاذب خلق می گردد و به خورد خلاق داده می شود و آنها را برای خرید روانه می کند. گویی، در فضایی سرمایه داری، شرکتها و بنگاه های اقتصادی بزرگ، علایق، سلايق، نیازها و نحوه زیست شهروندان را به مدد امکاناتی که تکنولوژی در اختیارشان گذاشته، مدیریت و هدایت و دستکاری می کنند و پیش می برند. بی سبب نیست که متفکر و روانکاو برجسته ای چون اریک فروم، بن مایه نقدهای مارکس به نظام سرمایه داری را ناظر به «از خود بیگانگی» و «الینه شدن و خود را در میان ندیدن و فراموش کردن می دید و سویه های

اومانیستی آن به معنای انسان مداری و «رعایت کردن انسان» و تلاش برای رهایی انسان از بیگانگی با خود را محوری می دانست، می پسندید و موجه می انگاشت. [۲۵] عموم شهروندان در این نظامها به بانکها و مؤسسات متعددی بدهکارند و برای بازپرداخت دیون خود، سخت کار می کنند، از این سوبه آنسو می روند و نگران اند و بیش از هر چیز بی قراری و پریشانی را نصیب میبرند؛ بی قراری ای که محل آرامش و طمأنینه است و به سلامت روان، آسیب جدی میزند.

سوسیال دموکرات ها در کنار دیگر شهروندان و گروه های پایبند به سازوکار دموکراتیک و آموزه های انسانی و اخلاقی حقوق بشری، به رغم بادهای ناموافق بسیاری که می وزد و به رغم مسیر سنگلاخی و پر از پیچ و خم پیش رو، امید خود را فرو نمی نهند

پرداختن به نیازهای اولیه از قبیل مسکن، پوشاک، بهداشت، معیشت، امنیت و... و برآوردن آنها، شرط لازم تحقق زندگی سالم است؛ آنچه در نظام سلسله مراتب نیازها [۲۶] به روایت مازلو، روان شناس امریکایی، کف و قاعده هرم را می سازد. روشن است که تا این نیازها برطرف نشود، نوبت به نیازهای مرتبه بالاتر از قبیل عشق، دانش، زیبایی، احراز و ابراز هویت و خودشکوفایی نمی رسد. اما در نظام سرمایه داری رقابتی مصرف گرا محور، افزون بر نیازهای واقعی، نیازهای غیر واقعی و کاذب به نحو مستمر ساخته و القاء می شود و شهروندان را از پی خود می -کشاند. به همین سبب، در این نظامها، نیازهای واقعی و کاذب ایجاد شده، بخش قابل توجهی از شهروندان را در کام می -کشد و فرصت پرداختن به نیازهای مرتبه بالاتر و دلمشغولشان گشتن را از آنها می ستاند. چنانکه در می یابم، علی الاصول، مجال برقراری توازن میان نیازهای اولیه واقعی و نیازهای مرتبه بالاتر، در نظامهای سوسیال دموکراتی از قبیل دولت های رفاه، در قیاس با نظامهای سرمایه داری، بیشتر امکان پذیر است؛ موازنه ای که سلامت روان بیشتری را برای شهروندان فراهم می کند.

چهارم، مسئله محیط زیست است. دهه هاست که متخصصان درباره مشکلات محیط زیستی و اقلیمی هشدار می دهند و میزان و نحوه دخل و تصرف بشر در منابع طبیعی و استفاده از آنها را گوشزد می کنند. احزابی نظیر حزب سبز، اقدامات مجذانه، صادقانه و نیکویی در راستای محافظت از محیط زیست و بر جای نهادن زمینی سبزتر و جهانی با آلودگی کمتر برای نسلهای آتی انجام می دهند. نظامهای سوسیال دموکرات، در قیاس با نظامهای سرمایه داری، توجه بیشتر و جدی تری به مسائل اقلیمی کرده و استفاده سنجیده تر از منابع طبیعی را برجسته کرده و به بحث و گفتگو درباره آن دامن زده اند.

طی ده سال اخیر، توجه به مقولات چهار گانه فوق، افزایش یافته و درباره آنها بیشتر اندیشیده ام. به نزد من، در اردوگاه سوسیال دموکراسی، در قیاس با ساکنان اردوگاه لیبرال دموکراسی، با مسائل چهار گانه یاد شده، در مجموع، مواجهه انسانی تر، اخلاقی تر و رهگشاتری صورت گرفته است. هم مسئله استعمار، هم مسئله عدالت اجتماعی، هم مقوله سلامت روان و رهایی از خود بیگانگی در دنیای پر قیل و قال کنونی و هم نحوه دخل و تصرف در منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست، به نیکی دیده و صورت بندی شده و به قدر وسع، راهکارهای واقع بینانه تر و موجه تری در راستای افزایش خیر عمومی در جوامع انسانی اقامه شده است.

با عنایت به ادله عرضه شده و تجربه زیسته ام، اکنون که این سطور را می نویسم، بر خلاف دهه های پیشین، چند صباحی است که از لیبرال دموکراسی گذار کرده و خود را یک سوسیال دموکرات میدانم. در سپهر سیاست ایران معاصر، از بخت بد ما ایده های خلیل ملکی بسط کافی

۸. دهه نود شمسی برای شرکت در کنفرانس و ارائه سخنرانی به مراکش سفر کردم همچنین برای تدریس دوره اسلام و مدرنیته دو هفته ای به یکی از دانشگاه های مکزیک رفتم گفتگو با همکاران و بازدید از مکانهایی که رد پای استعمارگران را در این کشور ها باقی گذاشته بود بر ایم تأمل بر انگیز و عبرت آموز بود.

۹. aboriginals.

۱۰. cultural genocide.

۱۱. The guilt of the survivor.

۱۲. Intergenerational trauma.

۱۳. فیلم آخر مارتن اسکورسیزی کارگردان مشهور آمریکایی تحت عنوان «قاتلین ماه کامل که بر اساس قصه ای واقعی ساخته شده این فاجعه هولناک را به تصویر کشیده است.

۱۴. در کارو بار حرفه ای روان درمانی خود در کانادا بار ها با روایت های تلخ و تکان دهنده ای از آنچه بر بومیان در دهه های گذشته رفته و تأثیرات محسوسی که بر نسلهای بعدی گذاشته مواجه گشته ام، همچنین از همکاران روان درماتر کانادایی خود نیز در این باب به تفصیل شنیده ام.

۱۵. به عنوان نمونه شرحی تکان دهنده از آنچه بر یهودیان اروپا در جنگ جهانی دوم رفته را میتوان در اثر خواندنی ذیل دید: ویکتور فرانکل انسان در جستجوی معنا ترجمه مهین میلانی و نهضت صالحیان، تهران، در سال ۱۳۹۴

۱۶. dehumanization.

۱۷. در در سگفتار «فلسفه لویناس خود که از دو ماه و نیم قبل شروع شده و تاکنون ۹ جلسه از آن برگزار گشته در جای خود به رفتار غیر انسانی دولت اسرائیل در جنگ غزه پرداخته همچنین داوریهایی لویناس و هابرماس درباره مناقشه خونبار اسرائیل و فلسطین را قویا نقد کرده ام فایل های صوتی این جلسات از طریق کانال تلگرامی ام قابل دانلود کردن است.

۱۸. social justice.

۱۹. welfare-state.

۲۰. common good.

۲۱. Rule-Utilitarianism.

۲۲. well-being.

۲۳. mental health.

۲۴. consumerism.

۲۵. برای بسط این مطلب نگاه کنید به اثر خواندنی ذیل اریک فروم، سرشت راستین انسان ترجمه فیروز جاوید، تهران نشر اختران ۱۴۰۱

۲۶. hierarchy of needs.

۲۷. نگاه کنید به: مقاله "گذار طلبی برون رفت از انسداد سیاسی" در کتاب "راههای طی نشده" از صاحب همین قلم

نیافت و چندان طنین انداز نشد و رهرو زیادی پیدا نکرد. جایی که اکنون ایستاده ام همپوشانی در خور درنگی با نگرش و مشی سیاسی این چهره ماندگار تاریخ معاصر دارد.

همچنان بر این باورم که در شرایط انسدادی کنونی، رهگشایترین شیوه برای عبور از وضعیت موجود نامطلوب و ناتراشیده و نابهنجار، «گذار امن خشونت پرهیز است» [۲۷]؛ کنشی که کمترین درد و رنج را برای قاطبه شهروندان به همراه دارد. سوسیال دموکرات ها در کنار دیگر شهروندان و گروه های پایبند به سازوکار دموکراتیک و آموزه های انسانی و اخلاقی حقوق بشری، به رغم بادهای ناموافق بسیاری که می وزد و به رغم مسیر سنگلاخی و پراز پیچ و خم پیش رو، امید خود را فرو نمی نهند و برای سر زدن خورشید آزادی و عدالت اجتماعی در افق ایران زمین دست از طلب بر نمی دارند و مدنیت و مدارا را به هم می آمیزند و به ادامه دادن ادامه می دهند:

روزی ما دوباره کبوترهایمان را پیدا خواهیم کرد
و مهربانی دست زیبایی را خواهد گرفت
روزی که کمترین سرود

بوسه است

و هر انسان

برای هر انسان

برادری ست ...

و من آنروز را انتظار میکشم

حتی روزی

که دیگر

نباشم.

منابع و پانوشتها

۱. در نهایی شدن این مقاله از ملاحظات دوست دانشورم دکتر مصطفی دانشگر استفاده کردم. از این بابت از ایشان سپاسگزارم.

۲. نگاه کنید به: عبدالکریم سروش مبانی تنوریک لیبر الیسم رازدانی، روشنفکری و دینداری تهران، صراط، ۱۳۷۰

۳. همو، رهایی از یقین و یقین به رهایی اخلاق خدایان، تهران، طرح نو، ۱۳۷۹

۴. Enlightenment period.

۵. Orientalism.

۶. backwardness.

۷. post-colonialism.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



یادداشت



استرس شغلی در کارگران



محمد بنی اسدی

(کارشناس ارشد مهندسی صنایع)

این امر نیازمند توجه جدی کارفرمایان، دولت‌ها و جوامع بین‌المللی است. برای پیشگیری از استرس شغلی، سازمان بین‌المللی کار توصیه می‌کند که کارفرمایان شرایط کاری را به گونه‌ای طراحی کنند که فشار روانی کارگران به حداقل برسد. ایجاد تعادل میان کار و زندگی شخصی، حمایت روانی از کارگران، و تأمین امنیت شغلی از جمله راهکارهای مهم در این زمینه هستند. همچنین، بهبود شرایط فیزیکی محیط کار مانند کاهش سروصدا، بهبود تهویه و تنظیم ساعات کاری می‌تواند تأثیر قابل توجهی در کاهش استرس داشته باشد.

علاوه بر این، آموزش‌های منظم در زمینه مدیریت استرس، تقویت مهارت‌های ارتباطی، و ترویج فرهنگ گفت‌وگو در محیط‌های کاری نیز از دیگر اقدامات پیشگیرانه‌ای است که توسط سازمان‌های بین‌المللی توصیه می‌شود.

استرس شغلی یکی از معضلات عمده‌ای است که امروزه نه تنها در سطح ملی بلکه در سطح بین‌المللی نیز توجه زیادی به آن شده است. سازمان‌های جهانی مانند سازمان بین‌المللی کار (ILO) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) بارها نسبت به آثار منفی استرس شغلی بر سلامت جسمی و روانی کارگران هشدار داده‌اند. این سازمان‌ها استرس شغلی را به عنوان یکی از عوامل کلیدی کاهش بهره‌وری، افزایش غیبت‌های کاری، و حتی وقوع حوادث شغلی معرفی کرده‌اند.

از دیدگاه سازمان‌های بین‌المللی، استرس شغلی ناشی از عواملی مانند فشار کاری بیش از حد، انتظارات نامعقول از کارگران، عدم امنیت شغلی، و نبود حمایت اجتماعی در محیط کار است. این استرس نه تنها سلامت روانی کارگران را تهدید می‌کند بلکه به مرور زمان می‌تواند منجر به بیماری‌های جسمی همچون مشکلات قلبی، فشار خون بالا، و اختلالات خواب شود.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

رنگین کمان مدارس در ایران



علی مجدم

mailto:Mo.mojaddamali@yahoo.com



کلاس ها و دوره های آموزشی خاص دانش آموزان را برای ورود به دانشگاه های معتبر و تراز اول آماده سازند. آن گاه این دانش آموزان مدارس لاکچری و خاص را مقایسه کنید با دانش آموزان مدارس دولتی در مناطق محروم کشور که از ابتدایی ترین امکانات نیز بهره مند نیستند!!

واقعیت این است که بسیاری از ایرانیان گمان نمی کردند که روزگاری برسد که با رنگین کمانی از مدارس گوناگون مواجه شوند که هر کدام شان گویی که در حال برپا کردن دنیایی خاص برای دانش آموزان شان باشند!! موضوع جالب این جا است که برخی نهادهای سیاستگذاری و برنامه ریزی کشور نیز بارها وجود این همه مدارس متنوع و رنگارنگ را خلاف عدالت آموزشی اعلام کرده اند اما در عمل نه تنها هیچ گونه تجدید نظری اساسی در این قضیه صورت نگرفت بلکه تو گویی که هر روز بر تنوع این مدارس نیز افزوده شد!! بدترین وضع را در این میان نیز مدارس دولتی دارند که بودجه شان نزدیک به صفر است و برای گذران امور معمولی روزانه مانند پرداخت قبوض آب و برق و تلفن دست به دامن والدین دانش آموزان شده اند، آن هم والدینی که به اصطلاح هشت شان گرو نهشان است و از فرط فقر و محرومیت توان تهیه ملزومات ساده و اولیه تحصیلی فرزندان خودشان را هم ندارند چه رسد به این که به مدارس کمک هم بکنند!! خانواده ای فرزند خودش را با شهریه چند صد میلیون تومانی به مدارس ویژه در شمال شهر تهران می فرستد و خانواده ای دیگر در مناطق محروم یا توان فرستادن فرزند خود را به مدرسه معمولی هم ندارد یا اگر هم بفرستد با وضعی اسف بار و دردناک!!

بنابر بررسی های صورت گرفته می دانیم که ۲۳ نوع مدرسه در ایران در حال فعالیت هستند از مدارس دولتی گرفته تا مدارس غیر انتفاعی، نمونه دولتی، هیأت امنایی، تیزهوشان (سمپاد)، شاهد، استثنایی، غیردولتی، خیریه، و چندین مدرسه دیگر که همگی مبتنی بر یک نظام آموزشی اقدام به ارائه آموزش به دانش آموزان می کنند. به رسانی وجود این همه مدارس گوناگون و رنگارنگ بنابر کدام ضرورت آموزشی راه اندازی شده اند و در نهایت قرار است کدام یک از اهداف مهم آموزش را برآورده سازند؟ ممکن است گفته شود بنابر تکثر و تنوع در جامعه مدارس نیز متنوع و متکثر شده اند که از جهتی ممکن است این پاسخ جای تأمل و بررسی داشته باشد. اما در ادامه باز هم پرسشی دیگری مطرح می شود و آن بحث عدالت آموزشی است که این همه درباره آن داد سخن داده می شود!!

هنگامی که نظام آموزشی کشور به صورت یگانه و مبتنی بر سیاست های متمرکز و خاصی تنظیم می شوند آن وقت وجود این همه مدارس متفاوت چگونه قابل توجیه است؟ می ماند این نکته مهم که فقط برخی مدارس لاکچری و آن چنانی که شهریه های گزافی دریافت می کنند برخی امکانات خاص و ویژه برای دانش آموزان تدارک می بینند که سایر مدارس به ویژه مدارس دولتی هرگز توان ارائه چنین خدمات و امکاناتی را ندارند. البته آشکار است که مدارس با شهریه های گزاف مانند مدارس غیرانتفاعی کوشش می کنند از معلمان با سابقه و بادستمزدهای گران نیز استفاده کنند تا با برگزاری



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

ورودهای غیر مجاز



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com



آن سیستم که محتوای دروس و سر فصل آن مشابه آموزش عالی است می تواند درس بخواند؟! خروج موفق اواز چنین سیستمی جای سوال دارد؟! و مورد بدتر از این که در سازمان ها و شرکت ها فارغ التحصیلان علمی کاربردی به مانند افراد تحصیل کرده ی سیستم دانشگاهی استخدام شده و حتی در پست های بالایی مدیریتی قرار می گیرند که این یک فاجعه و کاهش توان علمی و کارایی مجموعه می گردد. راه برون رفت از این فاجعه که ناکارآمدی در بخش صنعت و سازمانی کشور می باشد.

۱. آموزش عالی کشور، ثبت نام و معادل سازی دروس دانشجویان علمی و کاربردی و پودمانی و کلیه موسسات آموزشی پایین تر از نظام دانشگاهی را در سطح دانشگاهی university بویژه دانشگاه آزاد اسلامی ممنوع اعلام کند.

۲. از دولت آقای پزشکین در خواست می گردد در شرکت ها و سازمان ها از استخدام و بکارگیری افراد با این مدارک در شغل های مدیریتی و کارشناسی که متخصصین دانشگاهی رامی طلبید، جلوگیری به عمل آورد که این خطای بزرگ باعث خروج و سر خوردگی سرمایه های انسانی و ماهر و کارآمد از شرکت ها و سازمان ها و... می گردد.

در همه ی کارخانجات و حتی شهرداری ها و... موسسه آموزشی علمی کاربردی داریم که تربیت تکنسین را به عهده دارند که سر فصل دروس آنها برای تربیت تکنسین و فرد ماهر در حرفه ایی تعریف شده است یعنی سر فصل و محتوای دروس آنها با سطح دروس دانشگاهی university فرق می کند. به عبارتی دیگر سبک تر و راحت تر است برای همین ورود به این موسسات آموزشی راحت تر از دانشگاه است. به طور کلی، کلیه ی موسسات آموزشی سر فصل دروس آنها سبک تر و راحت تر از دانشگاه می باشد برای همین، خروجی این دانشگاه ها برای جذب در بازار آزاد، حرفه ایی کار و کارگاه ها، مغازه و آرایشگری و رستوران و... می باشد که بسیار خوب و قابل تقدیر است.

با این تفاسیر دانشجویان این دانشگاه ها برای ادامه تحصیل در تحصیلات تکمیلی به سیستم دانشگاهی به علت عدم توانایی نمی توانند ورود کنند مگر اینکه از پایه خود را قوی کنند که غیر معمول و اندک شمار است. اگر به طور عادی پذیرش باشد که در دانشگاه دولتی به دلیل ناتوانی علمی ورود به تحصیلات تکمیلی بسیار سخت و تقریباً امری محال است. در دانشگاه آزاد اسلامی به دلیل ضعیف بودن سد کنکور ورود خواهیم داشت و این که آیا در



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

کیک محبوب یک پرستار



زهرا کورد

kordzari1@gmail.com

خیلی دقیق و حرفه‌ای مثل هر پرستاری در مواجهه با لحظات کد خوردن بیماران، تخته‌ای به جای تخته CPR پیدا می‌کند؛ زیر سینه فرامرز قرار دهد تا ماساژ قلبی موثری اعمال شود و با شمارش درست شروع به ماساژ دادن می‌کند. امری که نیازمند آمادگی جسمی مناسبی در آن سن و سال است و می‌توان گفت تنها از یک پرستار برمی‌آید. اما نتیجه، فوت فرامرز است. در لحظات پایانی فیلم شاهد بعد دیگر زندگی یک پرستار هستیم. وجهه متفاوت رویارویی و سپس پذیرفتن مرگ. پرستاران به واسطه ارتباط تنگاتنگی که با زندگی و مرگ انسان‌ها دارند واکنش غیرمتعارفی نسبت به مقوله‌های مذکور از خود نشان می‌دهند. مواجهه‌ای عقلانی و مبتنی بر منطق! نظیر دقایقی که مهین ناامید از زنده شدن فرامرز بر جسد همراه دیر یافته خود، کفن را می‌بافد و با گذاشتن برشی از کیک وانیلی در دهان او، کامروا در باغچه خانه دفنش می‌کند. این شیوه برخورد با نقاط عطف زندگی از دید جامعه بعضا سنگ‌دلی و بی‌احساسی نامگذاری می‌شود اما در واقع پینه مرگ است بر روح کادر درمان. نظیر پینه‌ای که بر دستان یک آهنگر نقش می‌بندد. پینه‌ای که بواسطه اثر دیرپایش بر روان پرستاران، شوق زندگی را ولو در دهه هفتم زندگی و اوج تنهایی فریاد می‌زند. شوقی که سبب می‌شود زنی تنها با خودش برقصد.

به جرات می‌توان گفت هیچ فیلمی به دقت و پختگی "کیک محبوب من" روایتگر مواجهه یک پرستار با مرگ و زندگی نیست. روایتگر بعد پنهانی از زندگی آنها که به چشم هیچ قانون‌گذاری نمی‌آید و مادامیکه از سختی این شغل صحبت می‌کنند با تعابیری چون آمپول زن و بداخلاق ارزش و اثر آن را کم اهمیت جلوه می‌دهند و متعاقب چنین رویکردی که در سطوح کلان مدیریتی کشور نیز حاکم است، هر روز شاهد افزایش مهاجرت آن‌ها هستیم.

شاید بتوان گفت یکی از فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای ایران "کیک محبوب من" است. فیلمی که با وجود بی‌اقبالی از پخش در سینماهای ایران، اقبالی بلند برای دیده شدن در جهان داشت و دارد. روایت رنگین و آشنا از زیست واقعی مردمی که دیدن زندگیشان روی نمایشگر، به آرزویی بعید تبدیل شده است. داستانی از زندگی مهین، پرستار بازنشسته‌ای که دوران جوانی فعالی داشته است. پرستاری که در کنار نقش همسر و مادر بودن، با هیکل تراشیده‌ای در مهمانی‌های دوستانه حاضر شده و لابد در اواخر خدمتش تجربه ریاست بر بخش یا واحدی در بیمارستان را نیز عهده‌دار بوده است. چرایی انتخاب این شغل را برای شخصیت اصلی فیلم نمی‌دانم اما اثرات دیرپای این شغل را به وضوح می‌توان در روند شکل‌گیری داستان دید. اگر شغل هر فرد را در یک بازه ۳۰ ساله به مثابه رکنی شخصیت‌ساز بدانیم، بی‌شک پرستاری در تکامل شخصیت مهین نقش پررنگی داشته است. چرا که پرستاران به واسطه آگاهی گسترده‌ای که از بیماری و مراقبت‌های لازم دارند، عمدتاً خود درمانی کرده و آلام جسمانی خود را کتمان و چه بسا مدیریت می‌کنند. مهین هم در سکانس نهار دوستانه به داشتن تمامی آلام جسمی که نسل‌های اشاره می‌کند اما نیازی به تکرار مکرر روزانه آنها نمی‌بیند، چرا که به عنوان یک پرستار می‌داند چگونه با هجمه دردهای سالمندی کنار بیاید و برای کیفیت زندگی به دنبال عنصری فراتر از سلامت روده‌ها و اوضاع دفعی است.

ساعات طولانی ایستادن‌های شبانه‌روزی و تحرک از ویژگی‌های بارز پرستاران است و این ویژگی‌ها را در مهین داستان در جای جای فیلم خواهیم دید. اما اوج داستان مهین، پرستار این فیلم در مواجهه با شرایط بحرانی ایست قلبی فرامرز است. لحظاتی که سرش گرم از نوشیدنی و دلش لبریز از شوق زندگی است، به ناگهان با فرامرزی روبرو می‌شود که هوشیاری ندارد.



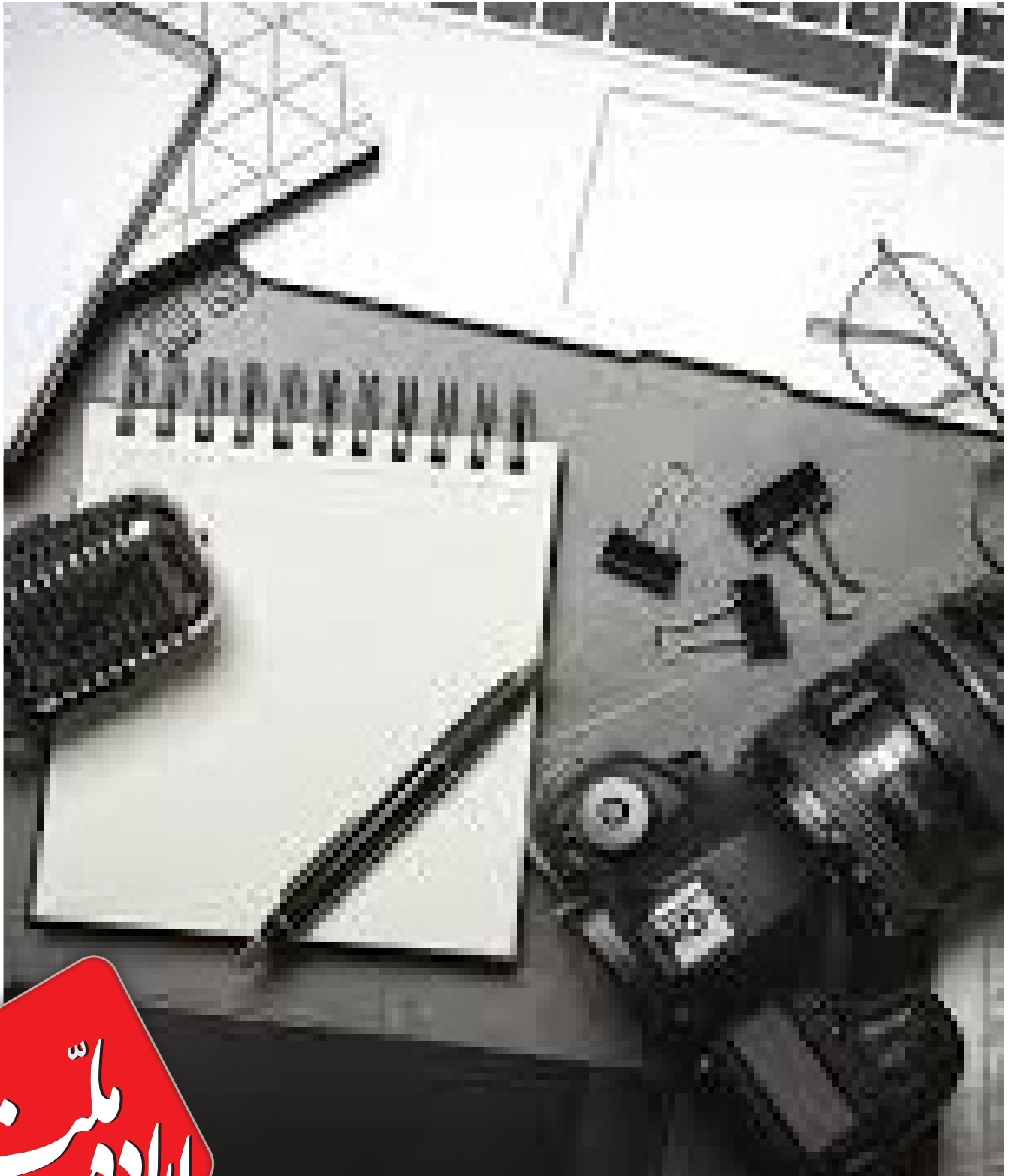
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

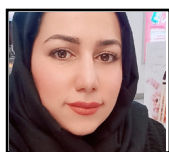


مصاحبه



احمد حکیمی پور، عضو شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران:

وقتی مطالبه ای باشد، دولت تلاش خواهد کرد تا پاسخی فراهم کند



فائزه صدر

Facehsadr7@gmail.com

با توجه به رویکرد رییس جمهور نسبت به مطالبات اجتماعی که در صحبت های وی قبل و بعد از انتخابات منعکس بود و همچنین با یادآوری التهاباتی که همچنان زیر پوست جامعه جریان دارد، آیا می توان ارزیابی از عملکرد دولت در حوزه نهادهای اجتماعی، مدنی، سیاسی و صنفی داشت یا نه؟

به عقیده من برای ارزیابی عملکرد دولت در همه زمینه ها، کمی زود است و باید حداقل فرصتی ۱۰۰ روزه به دولت نوپای مسعود پزشکیان داد و بعد به قضاوت نشست. انصاف نیست پس از دو ماه پر تنش، از دولت حساب کشی کنیم.

از وقتی دولت کار خود را به طور رسمی شروع کرد، درگیر تنش های سیاست خارجی شد که اثر خود را بر سیاست داخلی به جامی گذارند و مثل سدی پیش پای تحقق وعده های دولت عمل می کنند. امیدواریم تنش منطقه هر چه زودتر رفع شود تا دولت در فضای با ثبات تری برنامه های خود را اجرا کند. دولت بودجه سال ۱۴۰۴ را به تازگی به مجلس ارائه کرده، بودجه براساس برنامه ها و وعده های دولت تنظیم شده و با بررسی هر چه بیشتر بند های بودجه می توان به تحلیل های درستی رسید. امیدوارم حوزه اجتماعی به کفایت در این بودجه بندی دیده شده باشد.

مسعود پزشکیان با عملکرد مجلس آشنایی دارد به عقیده من بودجه بندی دولت چهاردهم باید تفاوت محسوسی با بودجه دولت های پیشین داشته باشد به ویژه که تنش یک ساله منطقه مدتی است که اثرات خود را بر ایران نشان می دهد. اگر تمام تلاش دولت به کاستن تبعات این تنش معطوف شود، در مسیر دیگر اهداف و برنامه هایش دچار کندی خواهد شد.

با اینکه اعلام نمی شود، ولی کشور عملاً در شرایط جنگی است. در این مدت محدود تیم سیاست خارجی دولت شبانه روز کار کرده و در مذاکره با کشور های منطقه رکورد زده است. باید واقع بین باشیم و به رییس جمهور فرصت بدهیم.

در ایام انتخابات وعده ها از زبان اصلاح طلبان شنیده شده، ولی امروز بیشتر کسانی که مسئولیت گرفته اند اصولگرا هستند! آیا ترکیب دولت مانع از اجرای اهداف، عمل به وعده ها یا تحقق مطالبات رای دهندگان نخواهد بود؟ نام دولت، "دولت وفاق" است. آقای پزشکیان روی این عنوان تاکید بالایی



دولت و جامعه متوجه شده اند که به نهادهای مدنی و نهادهای واسط نیاز دارند

اراده ملت، فائزه صدر: فعالیت گسترده نهادهای اجتماعی، ویژگی یک جامعه مدنی و مدرن است. این نهاد ها وظیفه مهم برقراری گفت و گو میان گروه های اجتماعی و دولت را بر عهده دارند. هر جا و هر زمان که در اراده ملت ها، میلی به شکل گیری نهاد های اجتماعی وجود نداشت، مسیر گفت و گو با جامعه مختل شده و پس از مدتی خلاء ها به شکل یک معضل، آسیب و چالش نمایان شده است. امروزه نسلی به عرصه رسیده که حاکمیت زبانشان را نمی فهمد. دولت از کسب و کار های جدید عقب مانده در حالیکه وظیفه تنظیم مقررات را بر عهده دارد. طی دهه ها مطالباتی در متن جامعه شکل گرفته و تلنبار شده که امروز هم مواردی از آن ها به گوش تصمیم گیران نا آشنا است. بین حاکمیت و جامعه فاصله خطرناکی شکل گرفته، به عقیده برخی از کارشناسان علوم اجتماعی این ارتباط جز به وسیله گروه های واسط برقرار نخواهد شد زیرا بخش هایی از جامعه دیگر تمایلی به گفت و گو با حاکمیت ندارند. هفته نامه اراده ملت در گفت و گو با احمد حکیمی پور، عضو شورای مرکزی حزب به بررسی این موضوع و عملکرد دولت چهاردهم در خصوص نهادهای اجتماعی پرداخته که در ادامه می خوانید:



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

برقرار کند. این ارتباط تنها با گزارش های دولت و رسانه های دولتی ایجاد نمی شود. مطمئن ترین و محکم ترین مسیر ارتباطی جامعه با دولت نهاد های مدنی و احزاب هستند.

در مورد این رابطه هم معیار من شخصیت آقای پزشکیان است. به عقیده من، قدرت برای مسعود پزشکیان جذابیتی ندارد. او کسی نیست که به هر قیمتی به قدرت و منصب بچسبد، ایشان روحیه کار گروهی دارد. تقسیم وظایف شروع کار تشکل ها است.

پزشکیان در شرایط ویژه تیرماه ۱۴۰۳ برای ریاست جمهوری پا پیش گذاشت، چون می خواست برای کشور و مردم کاری بکند. مطمئن هستم تا زمانی که احساس کند می تواند کاری بکند در صحنه خواهد بود و اگر خود را ناتوان از حل مشکلات ببیند صادقانه با مردم در میان می گذارد.

یکی از برکات انتخابات اخیر افزایش روحیه مطالبه گری در جامعه از طریق نهاد های سیاسی و مدنی، تشکل های صنفی و ان جی او هاست.

امیدی ایجاد شد، همین امید مردم را به پای صندوق رای کشید. امروز گویی جامعه در هوای تازه ای نفس می کشد و نسبت به مطالبات خود حساس شده است.

روحیه پزشکیان که با وجود داشتن اختیارات قانونی به دنبال یکدست سازی نبود، سیگنال خوبی برای یک شروع بی دغدغه است

آقای پزشکیان خود را در شرایط پرسش قرار می دهد و از مطالبات مردم گریزان نیست و پاسخگو است. وقتی مطالبه ای باشد، دولت تلاش خواهد کرد تا پاسخی فراهم کند. به این ترتیب است که تکاپو و تلاشی در سیستم ایجاد می شود.

بعد از اعتراضات نیمه دوم ۱۴۰۱ ضروری به نظر می رسد که دولت با نهادهای مدنی به عنوان نهاد های میانجی کار کند. احزاب و گروه های سیاسی، نهاد های صنفی و تشکل های مردمی وارد دوره ای شده اند که نقششان صرفاً جملاتی که در اساسنامه ها نوشته شده نیست و عملاً حلقه وصلی بین جامعه و دولت خواهند بود.

قرار نیست دولت هر چهار سال یک بار به خاطر رای گرفتن و اخذ مشروعیت به نهاد های مدنی رجوع کند. ما باید اداره تشکل را یاد بگیریم و تمرین کنیم. هم دولت و هم جامعه بار ها متوجه شده اند که به نهاد های مدنی و نهاد های واسطه نیاز دارند. بعد از سال ها کار در این فضا، خود من هم برای استقبال از دوره جدید اشتیاق دارم.

داشت و بعد از انتخاب هم بارها شاهد توضیح و تبیین واژه "وفاق" بودیم. مساله این است که دولت چهاردهم می خواهد هم افزایی داخل مجموعه های نظام را بالا ببرد تا بتواند کار کند.

دولت چهاردهم می خواهد هم افزایی داخل مجموعه های نظام را بالا ببرد تا بتواند کار کند.

اکثر ارکان نظام در دست اصولگرایان است و این گروه در رده های تصمیم گیر حضور و نفوذ بالایی دارند، درک دولت صحیح است، بدون هماهنگی نمی توان کار کرد. تنش و کشمکش داخلی توان دولت را کاهش می دهد. ترکیب دولت با این نگاه چیده شد، از این رو یکدست نیست. ما روی شخصیت خود آقای پزشکیان و اهتنامی که بر بهبود شرایط دارند حساب کرده ایم و امیدواریم مجموع عملکرد قوه مجریه در پایان عمر دولت چهاردهم، کارنامه خوب و قابل قبولی نشان بدهد.

مسعود پزشکیان در مقابل رقبای مخالفان و منتقدانش با پرچم سفید ظاهر شد. این روحیه پزشکیان که با وجود داشتن اختیارات قانونی به دنبال یکدست سازی نبود، سیگنال خوبی برای یک شروع بی دغدغه است. بستر مناسبی ایجاد شده و اگر از این وفاق ملی استقبال شود، نتیجه به نفع کشور خواهد بود.

متأسفانه همواره در خواست ها و توقعات جریان های دست راستی از روسای جمهور متعدد بوده و در آغاز راه شرایط سختی به دولت ها تحمیل می شود تا جاییکه دولت مجبور است بین پذیرش خواسته گروه ها و جریان ها و یا قرار گرفتن در شرایط کار شکنی و سنگ اندازی آن ها، به اجبار تمکین بر خواسته ها را انتخاب کند. ولی مسعود پزشکیان اجازه نداد این فضای سهم خواهی شکل بگیرد و از ابتدا چهار چوبی برای مشارکت ایجاد کرد.

متأسفانه فضای ارتباطی بین جامعه، تشکل ها و دولت مفید و مستمر نبوده، مشهور است که حاکمیت فقط در ایام انتخابات به سراغ نهادهای اجتماعی می رود. آیا تا اینجا سیگنالی مبنی بر تغییر و اصلاح این وضعیت در دولت چهاردهم دریافت کرده اید یا نه؟

آقای پزشکیان وعده ای نداده بود ولی گوش شنوا دارد. در مورد تشکل ها باید باز خورد های معینی ببینیم تا بتوانیم عملکرد دولت در این حوزه را بسنجیم.

دولت تلاش اش را می کند، ما هم مثل باقی مردم جامعه این تلاش ها را رصد و موانع و مشکلات را درک می کنیم. دولت باید ارتباطی با بدنه اجتماع



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

فتحعلی حسینی عضو حزب جمهوریات اسلامی

سند چشم انداز ایران



فاطمه قدم

به چه دلایلی بعضی از اهداف سند چشم انداز ۲۰ ساله با تأخیر یا به طور کامل محقق نشدند؟ آیا می توان این دلایل را به مسائل اجرایی و برنامه ریزی نسبت داد؟

دلایل اجرایی نشدن سند چشم انداز ۲۰ ساله عبارت است از:

- سیاسی
- فرهنگی
- اقتصادی
- اجتماعی
- زیربنایی
- مدیریتی
- بین المللی
- منطقه ای
- و.....

سیاست

۲ بخش خارجی و داخلی

در حوزه خارجی متاسفانه به جای بهره گیری از فرصت ها، اغلب درگیر چالش هایی بودیم که نفعی برای کشور نداشته است. هزینه کردیم و سودش را دیگران برده اند.

بطور مثال؛ شاید هیچ کشوری به اندازه ایران برای سوریه مایه نگذاشت ولی الان در دوران آرامش سهم ما از سازندگی و بازار کشور مذکور چقدر است؟ موضوع مهم دیگر سیاست داخلی است که به لحاظ کشمکش های سیاسی و منافع جریانی از اولویت ها فاصله می گیریم و منافع ملی را فدای منافع گروهی میکنیم. و در این رابطه در حوزه هایی هزینه کردیم که شاید اولویت اصلی کشور نبوده و فقط برای اینکه یک نمای ظاهری از دلبستگی به ارزش ها را نشان دهیم که نهایتاً اثر بخشی مناسبی در جهت اهداف چشم انداز ما نداشته است.

فرهنگی

در حوزه فرهنگی می بایستی اقدامات تاثیر گذاری شکل میگرفت تا بتوانیم به اهداف مورد نظر برسیم چند در صدم درصد در جریان اهداف سند بودند؟ چند درصد دست اندر کاران آگاهی کافی از چشم انداز ۲۰ ساله داشتند؟ مهارت کافی در جریان سند ایجاد شد؟



اراده ملت، فاطمه قدم: سند چشم انداز بیست ساله ایران، سندی جهت تبیین افقی برای توسعه ایران در زمینه های مختلف فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است که توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به پیشنهاد خود این مجمع تدوین شده است. اجرای این چشم انداز از سال ۱۳۸۴ و در قالب چهار برنامه توسعه ۵ ساله انجام می گیرد. در هفته نامه اراده ملت گفتگویی با فتحعلی حسینی درباره دلایل به نتیجه نرسیدن سند چشم انداز ایران پرداخته که در ادامه میخوانید

آیا برنامه ریزی سند چشم انداز به طور واقع گرایانه با توجه به ظرفیت های اقتصادی و منابع کشور انجام شده بود؟ اگر نه، چگونه می شد آن را بهتر برنامه ریزی کرد؟

به نظر می رسد هدف گذاری سند چشم انداز بر اساس واقعیت و ظرفیت های دقیق نظام جمهوری اسلامی نبوده زیرا وقتی قرار بر این است که ایران در سال ۱۴۰۴ کشوری الهام بخش و پیشرو در زمینه های علمی و فرهنگی باشد و هم اینکه فاصله معناداری با این هدف داریم بنابراین هدف گذاری مطابق با توانایی دست اندر کاران نبوده یا اینکه متاسفانه از دستور کار خارج شده است. هدف گذاری طبق علم مدیریت باید چالشی باشد؛ یعنی اینکه نه آنقدر کوچک و ضعیف باشد که دست اندر کاران آنرا سهل الوصول دانسته و تلاش مضاعفی نکنند و یا خیلی بلند پروازانه و دور از دسترس نباشد که مجدداً افراد مسول آنرا دور از دسترس دانسته باز تلاش نکنند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶
۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



زیرساخت‌های کافی فرهنگی سند فراهم شد؟
چرا سند چشم انداز در متون درسی نیامد؟

اقتصادی

حوزه اقتصادی

حوزه عمومی

کشاورزی

صنعت و معدن

گردشگری و میراث فرهنگی

هزینه‌های جاری دولت

عمومی

در حوزه عمومی متأسفانه وجود تورم مزمن سبب شده تولید با مشکل مواجه شود زیرا که تورم باعث می‌شود دلال بازی جای تولید را بگیرد. موضوع بعدی فقدان الگوی اقتصادی مناسب برای توسعه اقتصادی است. بایستی نظام یک الگوی مناسب را برای توسعه اقتصادی انتخاب نماید. بطور مثال در دهه اول انقلاب نظام به سمت اقتصاد دولتی رفته و خیلی از کارخانجات و مراکز تولید دولتی شدند و در دولت سازندگی اقتصاد آزاد را انتخاب و در دولت‌های مختلف خط مشی‌های متعدد را برگزیده است.

کشاورزی

نبود سرمایه گذاری مناسب در حوزه کشاورزی یکی از دلایل عدم رشد این حوزه بوده و به جهت اقتصادی نبودن بخش مذکور می‌باشد. مطلب دیگر تسهیلات اعطایی در بخش کشاورزی ناکافی و نامناسب بوده و این امر یکی از موانع مهم در راستای رشد این بخش می‌باشد. بطور مثال کشاورزان در پاییز و بهار (هنگام کشت) پادست خالی به مزرعه می‌روند و طبیعی است که پادست خالی برگردند یا اسیر سلف خران شوند فقدان الگوی کشت و نبود اطلاعات دقیق در دست کشاورزان جهت کشت محصولات نیز از دلایل و چالش‌های عدم توسعه کشاورزی است. نبود افق روشن در بازار محصولات کشاورزی از علل عقب ماندگی بخش مذکور است.

محدودیت منابع آب؛ نیاز اصلی بخش کشاورزی منابع آب است که شور بختانه با محدودیت جدی مواجه می‌باشد.

از کل آب روی زمین ۳٪ آب شیرین است که فقط ۱٪ در دسترس می‌باشد. ایران به عنوان کشوری نیمه خشک و خشک یک سوم بارندگی جهان را

در اختیار دارد (میانگین جهانی ۷۵۰ میلیمتر و ایران ۲۵۰ میلیمتر) تبخیر آب در ایران به جهت خشکی هوا ۳ برابر جهان است.

طی ۵۰ سال گذشته سرانه آب در ایران از ۵۰ هزار مترمکعب به ۲۰۰۰ مترمکعب رسیده و این عدد در استان همدان چیزی حدود ۱۵۰۰ مترمکعب می‌باشد.

از ۶۰۰ دشت ایران حدود ۵۰۰ دشت در وضعیت بحرانی و فوق بحرانی هستند

راندمان آب کشاورزی در جهان ۷۰٪ و در ایران ۳۰٪ می‌باشد. این عدد اوایل انقلاب ۱۰٪ بود که به لحاظ آبیاری تحت فشار و کشت گلخانه‌ای افزایش راندمان داشتیم.

از مجموع آب مصرفی چیزی حدود ۹۰٪ در بخش کشاورزی و ۹٪ شرب ۱٪ در بخش صنعت می‌باشد.

که همین ۹٪ بخش شرب هم مشکل جدی داریم.

۳۰٪ آب شرب در شبکه تلف می‌شود.

اگر بتوانیم ۱۰٪ در بخش کشاورزی صرفه جویی داشته باشیم مشکل آب شرب نخواهیم داشت.

بهره‌وری در بخش کشاورزی به جهت نا آشنایی کشاورزان با آخرین دستاوردهای علمی پایین است.

موضوع بعدی اتلاف محصولات کشاورزی است که حدود ۲۵٪ محصولات چین برداشت به لحاظ مستهلک بودن ماشین آلات و همچنین عدم تبحر کافی اپراتورها به هدر می‌رود.

حوزه صنعت و معدن و تجارت

در این حوزه چندین چالش مانع از رسیدن به اهداف بوده؛

فقدان الگوی توسعه صنعتی

بایستی مشخص کنیم مسیر و الگوی توسعه صنعتی ما چیست؟

آیامی خواهیم کپی برداری کنیم؟

یا اینکه مسیری که کشورهای صنعتی طی کرده اند را از صفر شروع کنیم؟

روی مونتاژ کاری برنامه ریزی کنیم؟

خلاصه تازمانیکه الگو توسعه صنعتی مناسب با شرایط کشور را انتخاب نکنیم راه به جایی نخواهیم برد.

یکی از موانع پیش روی، نپیوستن به تجارت جهانی است که بپیوستن به تجارت جهانی رقابت در صنعت ایجاد شده و کیفیت تولید افزایش پیدا کرده و قیمت تمام شده کالا مناسب می‌شود.

فقدان سرمایه گذاری مناسب

یکی از الزامات توسعه صنعتی وجود سرمایه گذار است و سرمایه گذاری



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶
۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

چند راهکار دارد:

خارجی:

برای سرمایه گذاری خارجی اگر فضای امن و بدون تنش فراهم شود و روابط با جهان تسهیل گردد قطعاً انگیزه و تمایل سرمایه گذاری فراهم می شود که متأسفانه مجموعه تنش های این فرصت را سلب نموده است.

داخلی:

در خصوص سرمایه گذاری داخلی علاوه بر الزامات مذکور تا زمانی که اقتصاد کشور دارای تورم است برای سرمایه گذاران انگیزه ای وجود ندارد. وجود تورم امکان پس انداز و سرمایه گذاری را سلب می کند. طولانی بودن اخذ مجوز کسب و کار: طولانی بودن فرآیندهای اخذ مجوزهای مختلف یکی دیگر از موانع جدی در راستای اهداف سازمان های ذی ربط می باشد. تحمیل هزینه های مختلف به بخش تولید: متأسفانه دولت ها و حاکمیت به جای حمایت از تولید هزینه های متعدد در رابطه بخش تولید تحمیل می کنند. مضافاً اینکه میزان مالیات، تکلیفی بر بخش تولید نیز سبب می شود و تولید کنندگان را با مشکل مواجه می کند. علاوه بر این نیروی انسانی موجود در واحدهای تولیدی به جهت سفارش های حکومتی بیش از حد مورد نیاز بوده و ضمن افزایش هزینه تولید سبب کاهش کارایی دستگاه های تولیدی می شود. نبود سیاست مشخص در جهت حمایت از صنایع داخلی؛ تولید کننده بایستی از وضعیت بازار محصول خود مطمئن باشد. گاه باز و بسته کردن واردات و وضعیت بازار محصولات صنعتی را نامشخص کرده و تولید کننده با تکلیف می ماند

قوانین کارگری نامناسب:

متأسفانه قانون کاری که به صورت یک نسخه واحد سبب شده هم کارگزاران بپسند و هم کارآفرین زمینه ی تولید و کسب و کار را از بین می برد. در حالیکه در کشورهای پیشرفته با توجه به شرایط منطقه ای قانون تصویب می کنند

نبود سرمایه گذاری مناسب در حوزه کشاورزی یکی از دلایل عدم رشد این حوزه بوده و به جهت اقتصادی نبودن بخش مذکور

حوزه معدن:

متأسفانه خام فروشی یکی از موانع توسعه معدنی است. فقدان چارچوب مناسب برای برداشت معادن سبب شده معدنکاران آسیب جدی به آب و راه و مزارع و مساکن برسانند و این موضوع باعث شده مردم معترض مانع برداشت مناسب معادن شوند.

گردشگری و میراث فرهنگی

ایران به لحاظ تاریخی و جغرافیایی ظرفیت ویژه و خاصی دارد که شاید می توان گفت منحصر به فرد باشد.

کشوری که به جهت تنوع جغرافیایی چهار فصل بوده و شاید نتوان کشوری را در جهان پیدا کرد که در یک روز به فاصله ۹۰ دقیقه بتوان در نقطه ای اسکی بازی کرده و در نقطه دیگر در هوای آزاد و کنار دریا شنا کرد.

جزو اولین و قدیمی ترین تمدن های جهان است. از طرفی می توان به اندازه کل درآمد نفتی و صادرات غیر نفتی از محل

گردشگری مبادرت به جذب درآمد نمود.

اما موانع عبارتند از:

فقدان سند جامع گردشگری که همه دستگاه های اداری دارای نقش و سهم مشخصی در امر گردشگری باشند.

بطور مثال نقش دستگاه های فرهنگی، زیربنایی و... مشخص شود.

فقدان تسهیلات اعتباری مناسب جهت گردشگری

اگر تسهیلات کافی با درصد کم در اختیار متقاضیان حوزه گردشگری قرار می گرفت قطعاً امکانات مناسب جهت حضور گردشگران فراهم می شد.

به لحاظ سیاسی کاری و فقدان برنامه اجرایی سبب شده مجموع اعتبارات عمرانی بیش از حد خرد شده و فاقد کارایی شود.

فقدان زیر ساخت مناسب:

به جهت محدودیت منابع دولت ها زیر ساخت ها فرودگاه ها و جاده ها و پارک و پارکینگ مناسب در راستای حضور گردشگران فراهم نشده است. سند فرهنگی یکی از ضرورت های مهمی است.

حوزه عمرانی و زیربنایی:

به دلایل مختلف کشور نتوانسته به اهداف خود در حوزه عمرانی و زیربنایی برسد.

فقدان اولویت بندی و عدم توجه به سند آمایش سرزمین در انتخاب پروژه های عمرانی طولانی بودن اجرای پروژه های عمرانی به دلایل مندرج در ذیل الف؛ قلت منابع حوزه عمرانی متأسفانه به جهت بالا بودن هزینه های جاری به جهت اینکه دولت ها متولی خیلی از امور بوده منابع عظیم اعتبارات را صرف امور روزمره می کنند. (حدود ۹۰ درصد اعتبارات در بخش جاری) مضافاً اینکه زمانیکه با محدودیت اعتبار مواجه می شوند از بخش عمرانی کسر می کنند.

ب: توزیع بیش از حد اعتبارات:

به لحاظ سیاسی کاری و فقدان برنامه اجرایی سبب شده مجموع اعتبارات عمرانی بیش از حد خرد شده و فاقد کارایی شود.

بطور مثال با ۱۰۰۰ میلیارد تومان می توان ۵ الی ۱۰ پروژه را ظرف ۲ الی ۳ سال به بهره برداری رساند. ولی وقتی ۱۰۰۰ میلیارد بین ۵۰ با ۶۰ پروژه تقسیم شود. بدیهی است که زمان اجرای پروژه طولانی شده و هم هزینه اجرای پروژه زیاد می شود و هم اینکه مردم در زمان مقتضی از منافع پروژه ها بهره مند نمی شوند.

عدم نظارت مناسب بر اجرای پروژه های عمرانی:

از تبعات نظارت ناکافی اینکه عمر پروژه ها به حداقل ممکن می رسد. بطور مثال یک مدرسه ای که حداقل باید ۵۰ سال عمر مفیدش باشد. در یک بازه زمانی ۱۰ ساله از حیز انتفاع ساقط می شود.

و یا اگر در حوزه راه سازی و ترابری نظارت ضعیف خسارت های جبران ناپذیر جانی و مالی بر کشور وارد می شود (سالانه ۲۰ هزار نفر مرگ و میر جاده ای که حدود ۱۰۰ آن عامل فنی جاده های نامناسب است).

عدم تخصیص اعتبار کافی جهت نگهداری پروژه ها:

با توجه به اینکه هزینه گزافی در جهت ساخت پروژه ها هزینه می شود ولی به جهت کمبود اعتبار هزینه کافی و مناسب برای حفظ پروژه های عمرانی پیش بینی و تامین نمی شود و این موضوع سبب شده هم عمر مفید پروژه ها کاهش یابد و مضافاً اینکه پروژه های عمرانی از حیز انتفاع ساقط گردند.

متاسفانه در مملکت ما انگار تولید غم و عزای بیش از حد یک عمل صالح محسوب شده و استقبال ما از عزاداری و ماتم بیش از توجه به شادی است.

ج: پایین بودن سرانه مطالعه

د: نبود سرگرمی های مناسب جهت مشغولیت جوانان

ه: پایین بودن سرانه فضای ورزشی

و: امکانات لازم جهت ورزش جوانان

ز: فقدان ارتباط موثر خانواده ها با جوانان به لحاظ نداشتن مهارت ارتباطی مناسب

تولید قوانین بیش از حد بوده و این موضوع به جای اینکه قوانین و مقررات تسهیل کننده و جلو برنده امور باشد.

مدیریتی:

مدیریت و امور اداری در راس همه امور است که اگر این موضوع اصلاح شده و سامان پذیرد همه بخش های کشور به نتیجه مطلوب می رسد ولی اگر این حوزه فاقد چارچوب باشد سایر قسمت ها نیز به سر انجام مناسبی نمی رسد که در ذیل به مسایل این مهم اشاره می کنم.

الف: نبود سیستم شایسته سالاری

متاسفانه ضمن اینکه نظام و سیستم شایسته گزینی نداریم به فرض اینکه این چنین سیستمی هم داشتیم به جهت اینکه جریانات سیاسی و نمایندگان سعی در چینش نیروهای وابسته به خویش داشتند سبب می شود نیروهای توانمند در جایگاه و سلسله مراتب اداری قرار نگیرند.

ب: فقدان انگیزه کافی:

۱- کارکنان دولت به دلایل مندرج در ذیل انگیزه لازم برای انجام کار را ندارند

۲- عدم تطابق دریافتی کارکنان با توجه به افزایش تورم

۳- نبود سیستم برابری پاداش

۴- فقدان سیستم مناسب ارتقا و انتصاب

قوانین دست و پاگیر:

تولید قوانین بیش از حد بوده و این موضوع به جای اینکه قوانین و مقررات تسهیل کننده و جلو برنده امور باشد.

زمینه رخوت و سستی مانع تراشی را فراهم نموده و به قول یکی از بزرگان عرصه فرهنگی دچار دیکتاتوری ساختاری شدیم و آنقدر بیش از حد و اندازه ساختار درست کردیم که خودمان در تله و پیله ساختارها و قوانین دست و پاگیر مبتلا شدیم.

تمرکزگرایی؛

به جای تمرکززدایی و دادن اختیار مناسب و سطوح پایین در گیر تمرکز بیش از حد هستیم که این موضوع سبب شده تصمیم گیری ها و اجرای امور زمان بر شود و ارباب رجوع و مراجعین سردرگم شده و اتلاف منابع و زمان طرح و پروژه های بخش خصوصی را از حیز انتفاع ساقط می نماید.

بخشی نگری و جزیره ای فکر نمودن مدیران:

مدیران به جای آنکه بانگرش سیستمی نگاه فرابخشی داشته باشند با بخشی نگری بیش از حد کمترین تعامل و مشارکت بین دستگاه های دولتی مشاهده می شود و این روش اتلاف منابع و کاهش کارآمدی دستگاه ها را در پی دارد.

دولتی بودن امور:

یکی از معضلات مهم دولتی بودن کارها است، هر قدر که امور دولتی باشد مباحث با هزینه و زمان بیشتری انجام می شود که متاسفانه مدیران دولتی علاقه ای به واگذاری امور به بخش خصوصی ندارند.

حوزه بازار

تجارت بین المللی

تجارت داخلی

در حوزه بین المللی به جهت تنش زایی و عدم بهره گیری از ظرفیت های خارجی معمولاً اجناس و اقلام خارجی با قیمت بالا خریداری شده بویژه مواد اولیه و کالاهای واسطه ای مورد نیاز کارخانجات با ارقام نجومی تهیه شده و تولید را از توجیه اقتصادی خارج نموده است.

بازار داخلی:

به لحاظ وجود تورم مزمن در اقتصاد ایران متاسفانه همواره شاهد افزایش افسار گسیخته قیمت ها هستیم و این افزایش پی در پی و لحظه ای قیمت ها زمینه را برای سود جویان فراهم نموده مصرف کنندگان در فشار مضاعف قرار گرفته اند.

از طرفی فقدان نظارت صحیح و مناسب شرایط بازار را بغرنج نموده است. پایین بودن انگیزه دست اندرکاران امر نظارت به جهت عدم تطابق حقوق کارکنان دولت با نرخ تورم مزید بر علت می باشد.

حوزه اجتماعی:

در حوزه اجتماعی کشور در ۲۰ ساله اخیر اتفاقاتی افتاده که مانع تحقق سند چشم انداز شده است.

الف: کاهش سرمایه اجتماعی به لحاظ عملکرد غلط برخی دولت ها بویژه نداشتن صداقت کافی سبب شده سرمایه اجتماعی کشور کاهش چشمگیری داشته و این قضیه تاثیر زیادی در حوزه اقتصادی داشته است.

ب: کاهش جمعیت جوان برخلاف دهه ۶۰ که افزایش جمعیت تشویق می شد. در دهه ۷۰ و ۸۰ تجدید جمعیت در دستور کار قرار گرفت.

و نتیجه آن پیری جمعیت و افول نیروی فعال اقتصادی بوده که اثر شگرفی در عقب ماندگی کشور داشته است.

در حوزه اجتماعی کشور در ۲۰ ساله اخیر اتفاقاتی افتاده که مانع تحقق سند چشم انداز شده است.

افزایش طلاق:

موضوع طلاق که در ادوار قبلی خیلی مذموم شمرده می شد. متاسفانه تحت تاثیر رسانه های خارجی و کاهش اعتقادات مذهبی شاهد افزایش بیش از حد طلاق در کشور هستیم به طوریکه در برخی از شهرها از هر ۴ ازدواج یک مورد منجر به طلاق می شود.

افزایش میزان اعتیاد؛

با توجه به اینکه همسایه شرقی ایران کشور افغانستان بزرگترین تولید کننده مواد مخدر در جهان می باشد و حدود ۹۰ درصد مواد افیونی اروپا از ایران عبور می کند و نظام جمهوری اسلامی هزاران شهید جهت مقابله با عرضه تقدیم کرده تا بتواند میزان ورود مواد به کشور را به حداقل برساند ولی چون در حوزه کاهش تقاضا موفق نبودیم متاسفانه این معضل رو به رشد می باشد. امروزه های کاهش تقاضا چیست؟

الف: افزایش شادی

ما فکر می کنیم مسلمان و معتقد بودن با شادی زیستن منافات دارد در حالیکه اگر به سیره ائمه طاهربین و اهل بیت عصمت و طهارت نگاه کنیم می بینیم که آن بزرگواران با حفظ شئون و رعایت نزاکت و ادب و با حفظ وقار با شادی و شغف مردم هیچ مشکلی نداشتند.

ب: تزییق غم و عزایه جامعه



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

اندیشه



روایت وپند



عباس امامی



یکی برای مشروعیت و ادامه حکومت و دیگری برای بقا به حاکمیت نیاز داشته است. تداوم این معاضدت همواره محل کشمکش‌های سیاسی بوده ولی حیات و استمرار هر کدام به قدرت و نفوذ دیگری وابسته بوده است این همکاری بعضاً موجب نارضایتی توده‌های مردم نیز شده است. این نزدیکی در زمان ساسانیان و در دوره هفت پادشاه ساسانی به اوج خود می‌رسد بطوریکه برای اولین بار نقش موید بلند پایه «کرتیر» در سنگ حجاری می‌شود او نقشی بی بدیل در ایجاد نظم نوین مذهبی در روزگار ساسانیان را دارد او نمونه‌ای از تعصب و عدم تساهل با سایر ادیان آن دوره است. بطوریکه مذهب زرتشت دین رسمی ایران می‌شود و این همکاری دین و دولت تا الان در شکل و شمایل‌های مختلف ادامه دارد.

عباس امامی

شانزدهم شهریور ۱۴۰۳

۳ چرا بیشه خالی بود؟!!

اشغال یک کشور توسط قوای بیگانه از درناک‌ترین تجربه‌های یک ملت است. زخمی است که با هیچ مرحمی حتی اگر هزاران سال نیز بگذرد درمان نمی‌شود همانطور که زخم سقوط هخامنشیان توسط اسکندر هنوز در یاد و خاطره مردم ایران باقی است. آریوبرزن قهرمان ایرانی که تا پای جان در برابر اشغالگران ایستاد هنوز یادش و نامش ماندگار است.

چرا در این پهنه سرزمینی هیچ کس به مقابله برخاست و مردم به تماشای رژه نیروهای اشغالگر رفتند؟ چه بر سر این ملت آمده بود که دریغ از یک رئیسعلی دلواری که با چهار صد سوار و تفنگ‌های ابتدایی سرپر حسن موسی انگلیسی‌ها را در جنوب بستوه آورده بود؟ آلمان‌ها در جنگ جهانی دوم هر سرزمینی را که اشغال کردند با جنبش‌های چریکی مردمی روبرو بودند در فرانسه دولت ویشی با دولت در تبعید دو گل و آزادیخواهان فرانسه مقابله می‌کرد.

چرا علمای حوزه علمیه قم و نجف در برابر اشغال کشور سکوت کردند؟ آیا در سپهر ایران کسی نبود که با تفنگ برنو در تپه ماهورها و کوه‌های شمال و جنوب لشکریان متجاوز را حداقل به زحمت بیاندازد؟ چه بر سر این کشور آمد که در تاریخ ایران کمتر نظیر آن را داریم؟ چرا ملت اینگونه تحقیر شد؟ چه بر سر کشور آمد که ملتی به تماشای خروج یک حاکم به تماشا ایستادند؟ چرا نظم جدید نتوانست انسجام و وفای به ارمغان بیاورد و از حداقل‌های میهن پرستی تهی بود؟!!

۱. مسیح باز مصلوب!!

پدر بمرور زمان دچار فراموشی شد گاهی وقتاً اطرافیان رو می‌شناخت ولی دوباره به کمای فراموشی میرفت بشوخی می‌گفتیم ویندوز پدر بالا نیومده ولی من رو می‌شناخت نمیدونم چرا؟ ولی گاهی وقتاً حس میکردم منم رو نمیشناسه ولی ارتباط با دنیای بیرونش من بودم. تمام زحمات افتاده بود روی دوش مادر با اینکه پدر مدتها بود او رو نمیشناخت.

یه روز مادر تماس گرفت گفت بیا اینجا پدرت بهانه میگیره رفتم خونه پدر گفت بشین کارت دارم خیلی آهسته گفت به این خانم بگو اگه میخواد اینجا بمونه حجابشو حفظ کنه گفتم کدوم خانم؟ با چشم اشاره به مادر کرد هم خنده ام گرفته بود و هم احساس غمی توام با استیصال بهم دست داد به پدر گفتم اونو نمی‌شناسی؟ گفت نه ولی زن خوبییه فقط بهش بگو حجابشو درست کنه!! گفتم باشه رفتم آشپزخونه پیش مادر نشستم داشت برنج پاک میکرد پرسید چی میگفت؟ دستی به صورتم کشیدم گفتم چیز مهمی نبود مادر مشغول کارش شد اوادم پیش پدر پرسید گفتم؟ دیدم یادشه!! برگشتم پیش مادر این پا اون پا کردم مادر گفت چی شده؟ گفتم میدونی پدر هیچکس رو نمیشناسه گفت آره میدونم منم رو نمیشناسه فکر میکنه کارگر خونه هستم وقتی میرم پیشش سرشو بلند نمیکنه گفتم بخاطر اینکه فکر میکنه غریبه‌ای اگه حجاب داشتی نگات میکرد سکوتی سنگین بین ما حاکم شد گفت یعنی چی؟ گفتم فکر میکنه نامحرمی چه اشکالی داره روسریتو سر کن ببینیم چی میشه؟ مادر لبخندی تلخ زد گفت باشه هر چی تو بخوای بلند شدم صورت چروکیده و نرمشو بوسیدم روسریشو از روی دسته صندلی برداشتم انداختم روسرش و زیر چوونش گره‌ای ملایم زدم گفت خوب شد؟ گفتم آره بریم خدمت حاجی آقا ببینیم میپسندند!! و هر دو خندیدیم مادر یه سینی چایی ریخت و رفتیم پیش پدر، سرشو بلند نکرد مادر سینی چایی رو گرفت جلوش بهش گفتم چایی بردار پدر، سرشو بلند کرد قند تو دلش آب شد لبخندی از رضایت به لبش اومد و من رفتم!!

۲ نهاد دین و دولت

دین و حکومت دو نهادی هستند که در طول تاریخ ایران در خدمت یکدیگر بوده‌اند و هر کدام برای بقای خویش به دیگری یاری رسانده است استفاده این دو نهاد از پتانسیل‌های یکدیگر موجب پایداری و بقای هر دو شده است



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

۴۲ جنگیدن شجاعت می خواهد!!!

۵۰ سال بعد اگر بخواهیم نگاهی به تاریخ منطقه بیاندازیم حتما هفتم اکتبر ۲۰۲۳ نقطه عطفی در تحولات خاورمیانه خواهد بود. خلسه ۵۰ ساله پس از جنگ ۱۹۷۳ و ناپایداری سیاسی به یکباره تبدیل به طوفان الاقصی شد. تحولاتی سریع که همه منطقه از خلیج فارس تا دریای مدیترانه را در بر می گیرد. امروز هیچ رهبر مقاومت تاثیر گذاری وجود ندارد تا ورق را به نفع جنبش های مردمی برگرداند، از هنیه شروع و به سنوار ختم می شود. جنبش های مقاومت، کاریزما محور و بر مبنای هیجان و ایمان استوارند. وقتی رهبران این جنبش ها از میان ما می روند، از توانایی و استمرار آنها نیز بشدت کاسته می شود، همانند جنبش زاپاتا در مکزیک، پوگچف در روسیه، رئیس علی دلواری، ستار خان، میرزا کوچک جنگلی و قاضی محمد در ایران. جنبش های مقاومت همچنین فاقد ساختار مناسب جهت تداوم مبارزات هستند.

نظم نوین خاورمیانه با محوریت تامین امنیت اسرائیل از پیمان کمپ دیوید آغاز می شود. در خاورمیانه جدید تامین امنیت اسرائیل نقش محوری خواهد داشت و اعراب که زمانی از دشمنان اصلی اشغالگران سرزمین فلسطین بودند، گام به گام به اسرائیل نزدیک و هم پیمان شده اند. در طرح جدید، پیرامون اسرائیل هیچ ارتش قدرتمندی وجود نخواهد داشت. اسرائیل با پشتوانه آمریکا و اروپا نقش محوری ایجاد نظم نوین منطقه را عهده گرفته است و با فضایی که از حوادث هفت اکتبر بدست آورده، از عاملین اصلی به ثمر رساندن نقشه جدید خاورمیانه است. سرمایه گذاری در جنبش های مقاومت و ایجاد دولت در دولت، دست آوردی جز انزوای برای

حامیان این جنبش ها و همچنین برای گروه های مقاومت نداشته است. خلسه ۵۰ ساله منطقه توسط اسرائیل به کابوس همه تبدیل شد. تجربه جنگ های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳ و استراتژی حمله پیش دستانه بخاطر عمق کم استراتژیک لاجرم سرمایه گذاری در تکنولوژی های جدید را ایجاب می کرد. حمایت های مالی و تسلیحاتی موجب گستاخی و تهاجم هر چه بیشتر اسرائیل شده است. بازی جدید منطقه امتیازی نیست علیرغم اینکه فرصت هایی بوجود آمد تا منافع کشورهای خاورمیانه از جمله ایران تضمین شود قطعنامه ۵۹۸، گفتگوی تمدن ها و برجام فرصت هایی بود که از دست رفت و بازی امتیازی به حذفی تغییر پیدا کرد. اسرائیل و متحدانش این فرصت نادر را از دست نخواهند داد چون چنین فرصتی در منطقه پر تنش خاورمیانه کمتر در دسترس بوده است. بخصوص اینکه رهبران کشورهای عرب همراه و همدم غرب برای ایجاد نظم جدید منطقه ای هستند.

مردم فلسطین در تمام دورانی که برای باز پس گیری سرزمین خود مبارزه می کردند هیچ وقت اینقدر تنها نبودند آرمان فلسطین محدود به غزه و کرانه باختری شده است و پایتخت کشورهای عربی تبدیل به محلی برای رایزنی، سهم خواهی و سازش با اسرائیل شده است. تجربه امروز می تواند مردم فلسطین را به این باور برساند که این مسیر ناهموار را باید بتنهایی طی کنند هر چند نمی توان این شکست را مهر پایانی بر آرمان های ملتی دانست که دهها سال برای استقلال مبارزه می کنند. از دل خرابه های غزه دوباره رهبرانی متولد خواهند شد که همان راه را ادامه خواهند داد و چه بسا خشن تر از رهبران پسین تر از خود خواهند بود. هر چند پیروزی اسرائیل در منطقه آغاز مشکلات داخلی است، نتانیاهو برای برون رفت از وضعیت فعلی، اتحاد با احزاب تندرو را برگزیده ولی ادامه راه با آنها غیر ممکن و سخت است لذا آرامش برون، دال بر آسایش در درون نیست.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



حافظ شیرازی، آموزه ها، جهان بینی و مکتبش، به مثابه یک سبک زندگی

نعمت خرسندی و درویشی



کاظم طیبی فرد

k.tayyebifard@gmail.com



بدانندش، نه موعظه کرد که دانا بخوانندش. او راه خود رفت، دنیا به پایش افتاد.

او که خود به حفظ بودن قرآن شهره بود و کلام الهی را در هر چهارده روایتش از بر بود، حتی اصراری نداشت که در جامعه‌ی متدینان بپذیرندش. از این رو، بسیار جای‌ها که به زاهدان و فقها طعنه زده و بارند و خراباتی خواندن خود، از همه تبرئه جسته.

اگر چه شعر حافظ به لحاظ ادبی و عروضی درجه‌ی یک و اعلا است، باعث اصلی اعتبار او نیست چرا که ای بسا جناب سعدی، بدین سبب، از او پیشتر و پخته تر باشد. این بزرگی و عظمت حافظ، نه بر اثر بلاغت، بلکه به سبب آن است که اندیشه‌ی او حاوی یک سبک زندگی و یک روش متعالی زیستن است. روشی که هم آرامش این جهانی را و هم سعادت آن مکانی را در پی دارد.

مطابق دریافت و فهم خودم و بطور خلاصه اگر بخواهم از سیاق و روش حافظ بگویم، آموزه‌ی زیستی او را باید در سه محور بیان نمایم؛ اول، محور درونی، دوم محور اجتماعی و سوم محور آنجهنانی.

۱ محور درونی

پیداست که ما آدمیان در سه عرصه ربط و ارتباط می‌یابیم؛ اول با خودمان،

او را لسان الغیب نامیده‌اند و به گمان خودشان وی را تکریم کرده‌اند. با شعرهای او تفأل می‌زنند و از بختشان می‌پرسند در حالیکه جناب حافظ حتی برای نوشتن اشعار و تألیف دیوانش هیچ اصراری نداشت و تلاشی نکرد. شاگردان و علاقمندان او بودند که اشعار به جامانده و منتسب به وی را جمع آوری کردند و بصورت یک دیوان شعر تدوینش نمودند. از همین روست که اشعار دیوان حافظ، نه بر اساس محتوا، نه طبق زمان سرایش و نه به هیچ روش دیگری جز ترتیب الفبایی چیده نشده.

برای خیلی‌ها حافظ هم کلیشه شده، مد شده و به این ترتیب به پدیده‌ای دم دستی مبدل گشته. در کوی و برزن از هر که پرسیم که شاعر مورد علاقه‌ی او کیست، هیچ شعری هم نداند و هیچ شاعری هم نشناسد، لاف‌ل خود را ارادتمند حافظ معارفی می‌کند.

در جایی خواندم که از ابوبکر صدیق پرسیدند که چگونه شد که هم به دنیا رسیدی و مقامش، هم به دین و کرامتش؟ پاسخ داد، "نخواه، تو را دهند. نخواستم، به من دادند." شنیده‌ام که گویا علی (ع) هم در روایتی تمثیلی فرموده که خداوند جهان را امر فرمود تا به آنکس که دنیا را بنده نباشد، هر چه خواست بدهد.

حضرت حافظ هم نخواست، عطایش کردند. او نه شعر نوشت که شاعر



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

دوم با اجتماعمان و دیگر آدمیان و سوم با دنیای غیر مادی، آنجهانی والهی. پیدا هم هست که از این میان، ربط اول بر بقیه مقدم است. ارتباط ما با خودمان، هم فضل تقدّم دارد و تقدّم فضل، یعنی یافتن چیستی خودمان، برای خودِ خودمان، هم فضیلتیست که قبل از همه‌ی فضایل بروز می‌کند (فضل تقدّم) و هم فضیلتیست که به جهت اعتبار و ارزش، از دیگر فضائل ار جح و برتر است (تقدّم فضل).

به محض متولد شدن و بوجود آمدن، ابتدا خود را درک می‌کنیم و به وجود خودمان آگاهی می‌یابیم. علاوه بر این، تارابطه‌ی درستی با خودمان نداشته باشیم و شأن و مرتبت خود را تعریف نکرده باشیم، در ارتباط با جهان و آنسوی جهان هم بلا تکلیف خواهیم بود. باید بدانیم و ملتفت باشیم که چه هستیم و چه داریم تا در مقابل جهان و آنسویش به مبادله بپردازیم. بر جهان تأثیری بنهیم یا تأثیری بگیریم، سودی ببریم یا زبانی ببریم. از اینرو، کنشهای ما با خودمان، ربطمان با جهان را معین می‌کند. اگر خود را درویش و مسکینی در پی تمتع مالی بدانیم که با چنین تمتعی می‌تواند به خرسندی برسد، تکلیفمان با این جهان هم مشخص می‌شود و این جهان را چون کالایی خواهیم دید تا هر چه بیشتر به چنگش آوریم. اما مساله اینجاست که واقعا آرامش و خرسندی با چنین تدبیری حاصل می‌شود؟!

به قول حافظ:

"در این بازار اگر سودیست با درویش خرسند است

خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی"

دنیای ما اگر بازار است و اگر مطاعی می‌توان از آن گرفت، سود و بهره‌اش جز از آن درویشی خرسند نیست. هموست که از دنیا نخواست و در عین حال خرسند است. خرسند، در نظر حافظ، جز در نخواستن دنیا نیست و چون دنیا را نخواهیم، خرسند و راضی نخواهیم شد.

همین مقدمه‌ی مختصر کافیهست تا تالی آن را حدس بزیم و به فهمش ناائل شویم. چنین خرسند و غنی زیستن است که دکترین ارتباط با دیگران را برایمان تصویر می‌کند.

۲ محور اجتماعی

درویش خرسند را دشمنی بدخواهان از پای نمی‌اندازد چون برای شقی ترین دشمنان نیز چیزی نیست که بتوانند با آن تمسک به آن ضربه به درویش خرسند زنده چون او نه در پی نام است و نه حتی در پی نان. در عین اینکه درویش و نادار است، خرسند است و از طمع خالی. از همین رو، با دوستان جز با مروت نخواهد زیست و با دشمنان مدارا خواهد نمود.

"آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت با دشمنان مدارا"

با دوستان به مروت و خیرخواهی زیستن که پیداست، با دشمنان نیز به مدارا رفتار خواهد کرد چون نه سر آنها دارد که دگری را حذف کند و نه سودای آنها را که منفعتی از قبل تضعیفش ببرد. او نه سر دارد و نه سودا، درویش است و خرسند نیز هم.

۳ محور آنجهانی

دیدیم که در نظر حافظ، چون شفقت و مروت با دوستان، مدارا و رواداری با دشمنان، آسایش دو گیتی را در پی دارد، پس، از پس تعیین تکلیف با خود و با دیگران، آنجهان و آسایشش نیز حاصل می‌شود.

البته او "نه آن رندست که ترک شاهد و ساغر کند." او اولین و بلندترین هدفش را از پی این دو فراز و این دو محور از یاد نبرده و نمی‌برد. یادش هست و پیش چشم نیز دارد که درویش خرسند مداراگر با دشمنان، اگر درویش است و اگر خرسند است در عین درویشی، اگر با دشمنانش مدارا می‌کند و با دوستانش مروت، از اینروست که بنده‌ی عشق است. بنده‌ی عشق و حقیقتی که از هر دو جهان بالاتر است و هر دو را به ارمان می‌آورد؛ "فاش می‌گویم و از گفته‌ی خود دلشادم

بنده‌ی عشقم و از هر دو جهان آزادم"

تنها و تنها، درویش خرسند است که با دشمنان نیز مدارا می‌کند، مروت دوستان که چیزی نیست. فقط اوست که نمی‌خواهد و از خواهش تهی ست. پس فقط اوست که بنده‌ی عشق است، نه بنده‌ی این جهان و نه حتی بنده‌ی آن جهان. بنده‌ی هیچکدام نیست که می‌تواند فاش گوید و افشا کند.

درویشی و خرسندی و رواداری و مروت ورزی و عاشقی ست، شیوه‌ی حافظ. و هموست که آزاد است. آزادی او به عشق منجر شده اما هیچ جابر زبان نیاورده که این عشق چیست. چون عشق به تعریف در نمی‌آید. باید طی طریق کرد، خرسندی را در عین درویشی، مداراگری با دشمنان را در عین مروت ورزی با دوستان، و در نهایت، آزادی را باید با زیستن آموخت تا عشق را فهمید. اینچنین است که عشق در نظر حافظ و در کلام او از جنس سرگشتگی و شوریدگی نیست. عشق حافظ، مرادف چنان حقیقتی ست که حتی از هر دو جهان نیز بی‌نیازش کرده.

• این نوشتار و این تلاش برای فهمیدن حافظ را مدیون تذکر و یادآوری جناب امیر حسین قربانی هستم. از ایشان سپاسگزارم.



محیط زیست



بیانیه روز جهانی مبارزه با تغییر اقلیم (دوم آبان)



فاطمه امامی

Femami53@gmail.com

کاهش در آمد کشاورزی اقتصاد خانواده دچار بحران خواهد شد و زنان چون در ردیف اول کسب درآمد هستند به دلیل عدم جانشینی در آمد متضرر خواهند شد. سیل و طوفان قربانیان اصلی آن زنان و کودکان خواهند بود. زمان کوتاهی برای برگشت و جبران تخریب زمین مانده است خیلی زود دیر خواهد شد.

کار گروه محیط زیست حزب اراده ملت

تغییر اقلیم در کره ی زمین با آهنگی رسا و روشن شروع شده است و هر روز و هر سال با نشانه هایی پر رنگ تر به جهانیان علامت می دهد. سیل، طوفان و گرد و غبار، گرمایش بی سابقه و ذوب یخ و زیاد شدن دی اکسید کربن، خشکسالی در مناطقی از دنیا که همه ی این ها عوارض تراکم گازهای گلخانه ایی در جو زمین است، غول های اقتصادی دنیا بزرگترین تولید کننده های گازهای گلخانه ایی هستند کشورهای فقیر و در حال توسعه که در استفاده از انرژی های پاک و کاهش سوخت های فسیلی در مراتب پایین تری از کنترل و مدیریت هستند و هم چنین جنگل زدایی به دلیل فقر بیشتر است، متأسفانه به آلاینده گی کره ی خاکی کمک می کنند. تغییر اقلیم قربانیان اصلی آن زنان خواهند بود که با ایجاد خشکسالی و



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



مزایای انتخاب یک مدیر بومی برای محیط زیست



بهزاد میقانی

فعال محیط زیست

خودشان برای این مسئولیت انتخاب شده، احتمال بیشتری دارد که از سیاست‌ها و برنامه‌های محیط زیستی حمایت کنند و با آن‌ها همکاری کنند. این همکاری و حمایت جامعه محلی برای موفقیت هر پروژه محیط زیستی حیاتی است.

۴. توانایی ایجاد سیاست‌های سازگارتر با محیط زیست محلی یک فرد بومی به دلیل درک بهتر نیازها و شرایط محلی، می‌تواند سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کند که واقع‌بینانه‌تر و با شرایط خاص محیط سازگارتر باشند. او به چالش‌ها و محدودیت‌های خاص منطقه آگاه است و می‌تواند به جای استفاده از روش‌های کلی، از رویکردهای متناسب‌تری برای مدیریت مسائل محیط زیستی بهره‌برد.

۵. کاهش تأثیرات منفی ناشی از توسعه بی‌رویه افرادی که به‌طور روزمره با محیط زیست محلی زندگی می‌کنند، معمولاً نسبت به تغییرات منفی در محیط زیست حساسیت بیشتری دارند. چنین فردی می‌تواند در مواجهه با پروژه‌های توسعه‌ای که ممکن است به محیط زیست آسیب برسانند، نقش مهمی ایفا کند و اطمینان حاصل کند که این پروژه‌ها به شیوه‌ای پایدار اجرا شوند یا در صورت امکان جایگزین‌هایی برای آن‌ها پیدا شود.

نتیجه‌گیری
به‌طور کلی، انتخاب فرد بومی به عنوان مسئول محیط زیست به دلیل دانش بومی، ارتباط نزدیک با جامعه، و آگاهی از چالش‌های محلی، می‌تواند به نتایج پایدارتری برای حفظ محیط زیست منجر شود. چنین فردی می‌تواند پل ارتباطی موثری بین مردم و سیاست‌های محیط زیستی باشد و با ایجاد انگیزه در جامعه محلی، به پایداری و حفاظت از محیط زیست منطقه کمک کند.

انتخاب یک فرد بومی به عنوان مسئول محیط زیست در یک منطقه می‌تواند تأثیرات مثبت بسیاری بر محیط زیست محلی داشته باشد. در این مقاله، چندین تأثیر مثبت چنین انتخابی را بررسی می‌کنیم و نشان می‌دهیم که چرا این اقدام می‌تواند به نفع محیط زیست و جامعه محلی باشد.

۱. شناخت عمیق‌تر نسبت به محیط زیست محلی یکی از مهم‌ترین مزایای انتخاب فرد بومی این است که او به خوبی با شرایط جغرافیایی، اکولوژیکی، و ویژگی‌های طبیعی منطقه آشناست. این آگاهی عمیق به او اجازه می‌دهد تصمیماتی اتخاذ کند که با نیازهای واقعی محیط زیست محلی هماهنگ باشند. افرادی که در همان منطقه زندگی کرده‌اند، اغلب تجربه‌های دست‌اولی از مشکلات محیطی مانند کم‌آبی، فرسایش خاک، آلودگی هوا و حفاظت از گونه‌های بومی دارند و می‌توانند به‌طور دقیق‌تری برنامه‌ریزی کنند.

۲. احترام به دانش بومی و سنت‌های محلی فرد بومی مسئول محیط زیست به احتمال زیاد با دانش بومی و سنت‌های محلی در ارتباط با محیط زیست آشناست و به آن احترام می‌گذارد. این دانش بومی می‌تواند شامل روش‌های سنتی کشاورزی، شیوه‌های پایدار استفاده از منابع طبیعی و باورهای فرهنگی در مورد حفظ طبیعت باشد. به کارگیری این دانش سنتی در کنار دانش علمی، می‌تواند به راهکارهای موثرتری برای مدیریت و حفاظت از محیط زیست محلی منجر شود.

۳. افزایش مشارکت و همکاری جامعه حضور یک فرد بومی به عنوان مسئول محیط زیست باعث می‌شود افراد محلی احساس نزدیکی بیشتری با پروژه‌های محیط زیستی کنند و مشارکت خود را افزایش دهند. هنگامی که مردم احساس کنند که کسی از میان

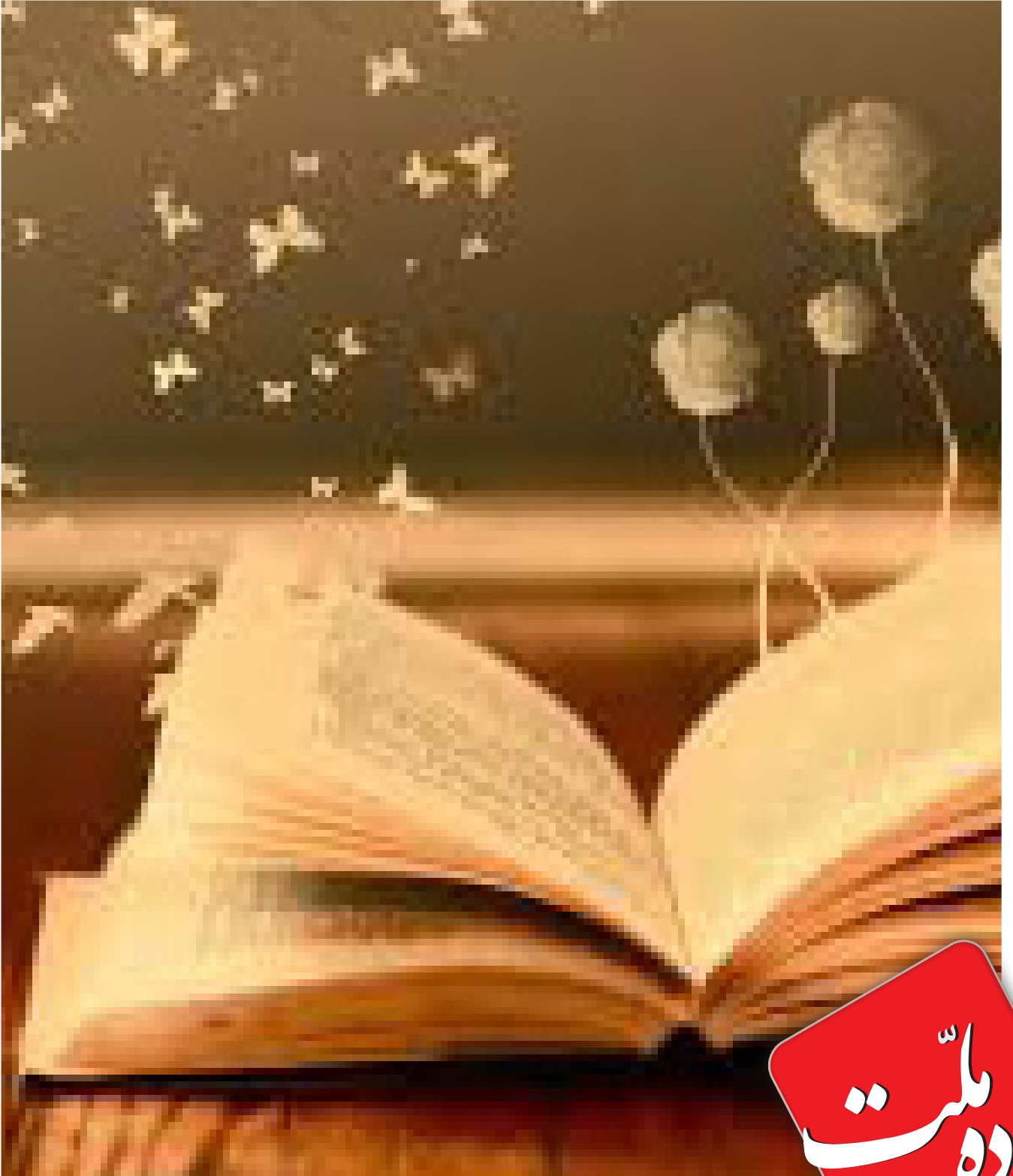


هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

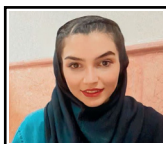
۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

کتاب



درباره‌ی "به همین نحیفی؛ سهم ما از تاریخ"، نوشته‌ی زهره رحیمی

نحیف، مثل تاریخ!



زهرامانی

zahrazamanyii137900@gmail.com



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

به همه اینها که فکر می‌کنم بیشتر به اهمیت شغل تکنسین‌های بیهوشی پی می‌برم و بیشتر از قبل ممنونشان هستم، ممنون دقت و ظرافت و صبر و حوصله‌شان، ممنون از اینکه با همه سختی‌ها حواسشان به دوز بیهوشیمان هست که کم بودنش باعث درد و زیاده‌بودنش باعث خواب ابدیمان نشود. من ممنونم از تکنسین بیهوشی که با وجود نحیف بودن سهمش از تاریخ با انگشتان خود زحمت من و ریه‌های مرا می‌کشد تا نفسم نبرد و بتوانم ساعتی بعد چشمانم را باز کنم. کاش می‌توانستم کاری کنم که سهمتان از تاریخ اینقدر نحیف نباشد!

گزیده‌ای از متن

با چشمان خود دیدم

من به چشم خود دیدم که دقیقترین جراحی‌های شکمی روی تخت‌های اتاق‌های عمل با دشواری بینظیری انجام شده‌اند؛ و بیمار خوش و سر حال تنها بخاطر یک تزریق اشتباه در بخش از سوی، پرستار خوابی ابدی را تجربه کرد!

من به چشم خود دیدم که دستاورد ظریف‌ترین جراحی‌های استخوانی که حاصل تلاش چندین ساعته تیم اتاق عمل بود تنها بخاطر جابجایی نادرست و سهل انگارانه بیمار از سوی بیماربر نابود شده است!

من به چشم خود دیدم که شکیبایی و برنامه‌ریزی چند ماهه بیمار و همراهان و پزشکان تنها بخاطر رعایت نشدن شرایط نگهداری یک بافت پیوندی، پوچ و بی‌معنا شده‌اند!

من به چشم خود دیدم که عفونت جدی بیمار او را وادار به تحمل چند ماه مراقبت پرهزینه و پردرصد کرد تنها بخاطر نظافت ناکامل و عجله‌ای یک اتاق عمل از سوی خدمتکار واحد!

من به چشم خود دیدم که ترس یک دانشجوی مواخذه استاد، او را وادار به پنهان کاری خطایی نمود که بیمار و خانواده‌اش تا پایان عمر پیامدهای آن خطای دیر رسیدگی شده را به حسرت تاب می‌آوردند!

من به چشم خود دیدم که کم دقتی یک منشی در تحویل کیسه خون، کلیه بیمار را دچار دیالیزی چند ساله کرد!

در این سپهر که ما خدمت می‌کنیم، هیچ کاری کم اهمیت نیست و هیچ فردی کم ارج شمرده نمی‌شود. تنها بخاطر ناآگاهی و تکبر است که چنین حقیقت انکارناپذیری نادیده انگاشته می‌شود.

کتاب به همین نحیفی سهم ما از تاریخ هم مثل دیگر کتاب‌های خانم رحیمی که قبل‌تر به معرفی آن پرداختم از هر نظر کامل است. نوشته‌های خانم رحیمی، اکثر الحن صمیمانه‌ای دارد که گاهی خواننده فراموش می‌کند که کتاب می‌خواند، بلکه فکر می‌کند نامه‌ای از دوست صمیمی‌اش به دستش رسیده و مشغول مطالعه آن است.

این کتاب، علمی، تاریخی و یا خاطره‌نگاری نبود اما وقتی به خود آدم در صفحه آخر کتاب متوجه شدم که همه اینها را در کتاب ۱۲۰ صفحه‌ای به اسم به همین نحیفی سهم ما از تاریخ خوانده‌ام.

برای من که تاریخ خیلی اهمیت دارد این کتاب شروع جذابی داشت، توجه به تاریخچه و شکل‌گیری بیهوشی و بصورت جزئی‌تر توجه به بیهوشی در ایران، دید کلی در رابطه با علم بیهوشی به خواننده می‌دهد.

و در ادامه با معرفی انسان‌های شاخص این رشته آشنایی ما با بیهوشی عمیق‌تر می‌شود و از نکات قابل توجه این کتاب هم می‌توان به مصاحبه با افراد قدیمی و حاذق این رشته اشاره کرد، این کار به درک بیشتر این کتاب و شغل تکنسین بیهوشی و سختی‌هایش کمک می‌کند.

عکس‌هایی که در کتاب وجود دارد از دو جهت خوب است:

۱- خشکی کتاب را گرفته است و مثل یک آلبوم ورق زدن و تماشا کردن تاریخ حس خوبی را به مخاطب القا می‌کند.

۲- نیاز نیست برای دیدن عکس‌های لوازم پزشکی در قدیم به اینترنت مراجعه کنیم و همه چیز در دسترس است.

در هر جایی از کتاب که لازم باشد، پانویس‌ها همچون چراغ قوه‌ای، تاریکی ذهن ما را نسبت به موضوع روشن می‌کند.

براستی که تکنسین‌های بیهوشی سهمی نحیف دارند از تاریخ پزشکی ایران یا حتی خود تاریخ ایران و دنیا!

وقتی عملی انجام می‌شود، ثنا گوی همه هستیم اما اصلاً در پس ذهنمان تکنسین بیهوشی هست؟ خیر! زیرا سهمی نحیف دارند از تاریخ

نحیف بودن سهمشان با بزرگ و سنگین بودن وظیفه‌شان محیطی پارادوکسی را برایشان رقم زده است که برآمدن از پس این کار پر زحمت و کم درآمد فقط کار انسان‌های قوی چون خودشان است و لاغیر.

بعد از خواندن این کتاب با خود فکر کردم اگر یک روزی تکنسین‌های بیهوشی نخواهند کار کنند چه می‌شود؟ تمام عمل‌ها لغو می‌شود، بیماران درد زیادی را تحمل می‌کنند، خانواده‌ها نگران حال مریضشان و...

گپ و گفت

در آخر تصمیم گرفتم که در حد یک مصاحبه هر چند کوتاه با خانم رحیمی نویسنده کتاب به همین نحیفی سهم ما از تاریخ انجام بدهم.

-چیزد که سراغ این نوع موضوع رفتین؟

-من سراغ این موضوع رفتم چون شغل من اینست و من خواستم دین معنوی خودم رو نسبت به شغلم ادا کنم. در عین حال دریچه‌ای باشم برای ورود دیگر گروه‌های شغلی که از سوی جامعه خیلی جدی گرفته نمی‌شوند اما داستان‌های عمیق و دراز بسیاری دارند و تاریخ سازند.

-آیا قصد ادامه دادن این کتاب را دارید؟ مثلاً جلد بعدی یک شغل دیگر

-من در حوزه‌های دیگه ممکنه باز دست به تألیف بزنم اما الان انتظارم این هست که با خواندن این کتاب مشاغل مشابه، این مسیر را ادامه دهند.

-سوال آخر این است که من دو تا کتاب از شما خواندم خیلی لحن صمیمی

و گرمی دارید آیا این میتونه مثل یک برند باشه براتون یا نه؟

-من در فضای نظری جای گروه‌هایی را خالی می‌بینم که در سطوح اندیشمندان و فلاسفه و اساتید نیستند، اما بواسطه تجارب عمیق‌شان حرف برای گفتن و آموزه برای یاد دادن، بسیار دارند. لحن صمیمی من برای وجاهت دادن و اعتبار بخشیدن به این بخش از صاحبان اندیشه در جامعه است که در سایه فرهیختگان و خواص، نادیده یا کم‌دیده واقع می‌شوند. دوم اینکه لحن صمیمانه موجب میشود مخاطب و خواننده در جای جای سخن تو، خودش را در همان شرایط و موقعیت احساس کند. بعنوان سخن آخر: امیدوارم این کتاب توسط تمام افراد شاغل در این حوزه یکبار مرور شود.

اگر چنین شود، بگمانم دنیای این رشته، روزگار و فضا و معنای متفاوتی را تجربه خواهد کرد و جمعیت مشغول در این عرصه عمیق‌تر با کار و خدمتی که به آن مشغولند، مواجه خواهند شد.

این کتاب می‌تواند بنوعی به خودبودگی ما کمک کند و ما را نسبت به از خودبیگانگی حین دوران شغلی، هوشیارتر و بیدارتر کند.



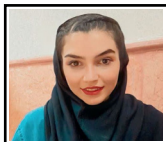
هفته‌نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

درباره‌ی "بالکن رسوایی"، نوشته‌ی ابراهیم نصرالله ترجمه‌ی ادريس محمدی

بالکن رسوایی



زهرا زمانی

zahrazamanyy137900@gmail.com

معرفی کتاب:

کتاب بالکن رسوایی روند آرامی داشت و نویسنده به اصطلاح آبندی نکرده بود و همه جزئیات را بیان کرده بود از مشکی تر شدن پارچه عزا با باران تا لکه سیمان روی گردن کارگر ساختمان در اتوبوس و به خواننده این فرصت را می‌داد تا کاملاً همه چیز را تصویر سازی کند و خودش را با رخداد های کتاب وفق همراه کند.

در متن کتاب گاه گاه گریز هایی زده شده بود به آینده و قسمت هایی از اواخر کتاب که خواننده را کنجکاو تر و تشنه تر بکند که چه می‌شود که این صحبت هار دوبدل می‌شود. این نوع نوشته هم طرفداران خودش را دارد هم منتقدانش را و استفاده از این سبک کمی جسورانه است که این فضا را به منتقدان خود می‌دهد که با دست باز نقدش بکنند.

در این رمان شاهد شخصیت های گوناگونی مانند: شرافت، پاکدامنی، لابیالی گری، خشونت، محبت و... هستیم.

چیز دیگری که در این رمان به چشم می‌خورد علاقه منار به خانواده اش با همه بی مهری هایی که از آنها دیده بود باز هم به آنها عشق ورزید و به دست همان ها هم آخر کشته شد. منار با همه ویژگی هایی مثبتی که داشت مثل مهربانی و متانت و... یک ویژگی منفی پنهانکاری هم داشت شاید اگر از روز اول همه چیز را به مادرش می‌گفت آن قدر همه چیز بهم نمی‌ریخت و کشته نمی‌شد.

این رمان دو برادر با طرز فکر های مختلفی را نشان می‌دهد که یکی حمایتگر دخترش و دیگر سرکوبگر و خواستار ادامه همان روند پیشین.

ابو امین در کنار ویژگی های خوبی مثل اعتماد، صداقت، منزلت بین دوستان و... ویژگی بدش هم این بود هنگام مشکل دخترش سکوت کرد شاید اگر مثل همیشه از دخترش دفاع می‌کرد منار زنده می‌ماند. در این رمان سالم خانواده اش را دوست داشت و به قانون اعتماد داشت ولی مشکلات زیادی مثل خشونت عاطفی تعصب کور کورانه داشت در انتها هم نقشه قتل کشید و دختر برادرش را بدست برادر زاده اش امین کشت.

این رمان دو برادر را نشان می‌دهد یکی قصد کشتن خواهر خود را دارد دیگری قصد حفظ جانش را.

نویسنده: ابراهیم نصرالله

مترجم: ادريس محمدی

ابراهیم نصرالله: نویسنده فلسطینی تبار، زاده اردن را می‌توان یکی از برجسته ترین نویسندگان معاصر عرب دانست. علاوه بر این ها در حوزه

شعر، موسیقی، سینما نقد ادبی و... هم دستی بر آتش دارد.

وی در سال ۲۰۱۸ برنده جایزه بوبکر در زمینه شعر و رمان شده است.

زبان شعرش نرم اما اندیشه ای عمیق و تکان دهنده دارد.

ادريس محمدی: نویسنده، روزنامه نگار، مترجم و پژوهشگر مطالعات خاور میانه است.

خلاصه کتاب:

رمان بالکن رسوایی رمانی اجتماعی انتقادی است که به دفاع از دخترانی می‌پردازد که قربانی خودخواهی دیگران شده اند. داستان از این قرار است که پدری در حسرت داشتن دختری می‌سوزد تا اینکه خدا به ابو امین که رفتاری متجددانه دارد دختری می‌دهد به نام منار، منار عزیز کرده پدر می‌شود و چراغ خانه ابو امین خیلی با منار راه می‌آید و مخالف زود ازدواج کردن آن است و او را تشویق میکند و به دانشگاه می‌فرستد و همه چیز را برایش محیا می‌کند. که این رفتارش مورد پسند خیلی هانیست بویژه سالم برادر ابو امین (مرد سالار) در این میان ابو امین زمین گیر می‌شود و تا کسی اش به ادريس می‌دهد ادريس هم در پی انتقام شخصی اش از امین که از او پول زیادی گرفته بود و پس نداده بود به منار تجاوز میکند و می‌گوید این هم هدیه من به برادرت منار که نمی‌خواهد این موضوع را کسی بفهمد، اما حاملگی وی پرده از رازش بر میدارد. امین که از موضوع با خبر می‌شود که برای پس گرفتن آبرویش قصد کشتن منار را دارد که برادر کوچکش مانع می‌شود پلیس که می‌فهمد جان منار در خطر است او را دستگیر میکند و می‌خواهند که او را به دبی بفرستند که پیش برادرش زندگی کند که با نقشه پلید سالم، امین خواهرش را می‌کشد و سالم با غرور پرچم سفید آبرو را به جای پرچم سیاه بی‌آبرویی میزند.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

در هیچ کجای این رمان ویژگی مثبتی برای امین ثبت نشده است و فقط دروغ و خیانت و پنهان کاری و انحراف اخلاقی قتل و خشونت و تعصب بدون منطق برایش ذکر شده است.

این رمان دو عروس را نشان می دهد یکی پاک و دیگری همنشین روسپی ها.

بالکن رسوایی پر است شخصیت های متناقض که کتاب را بسیار جذاب می کند.

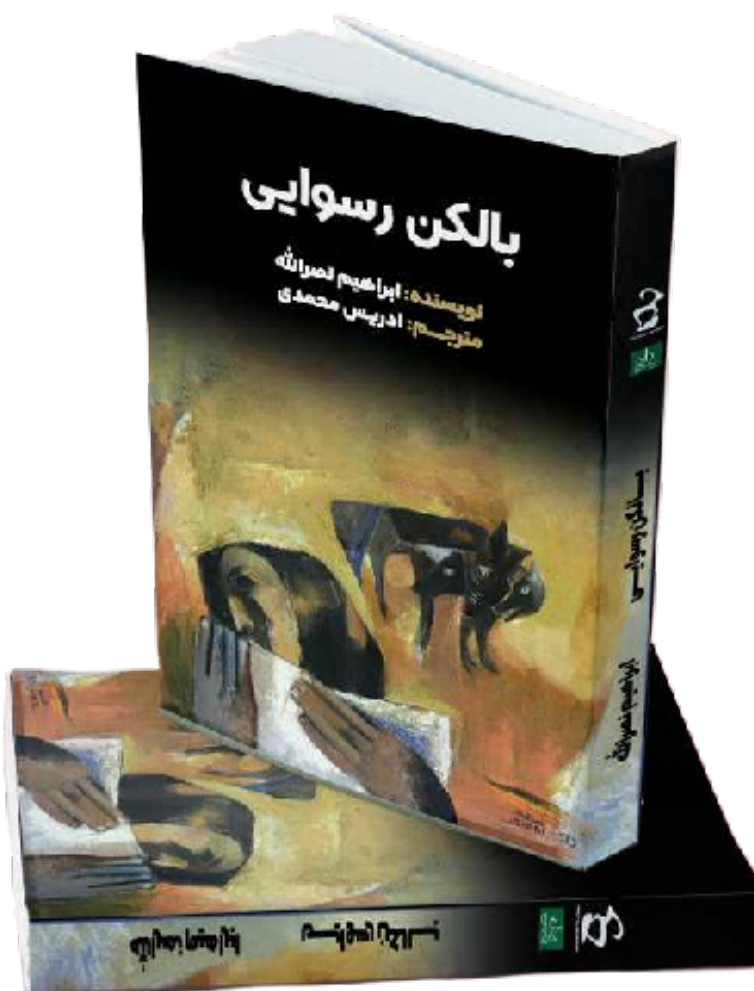
سخن آخر:

بابند بند این کتاب تمام زنان ایرانم حس همدردی دارند. تمام لحظه هایی

که منار لرزید، ما گریستیم لحظه هایی که منار در کنج خانه خزیده بود ما قلبمان برای منار و منار های ایرانمان مچاله شده بود.

تغرید رومینای ما بود، منار مونا می ما. این کتاب هر چه که بود با همه خوبی ها و بدی هایش از گوشت و خون به زنان ایران نزدیک تر بود، ما که ساعت ها گریسته بودیم برای رومینایمان داغ منار داغمان را تازه تر کرد.

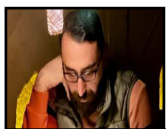
در جایی به اسم خاور میانه مردان خود را صاحب زنان می دانند و کشتنشان را حفظ آبرو و خونشان را مباح کسی که زنی (خواهر، دختر یا همسرش) را بکشد نماد غیرت می شود و الگوی دیگر مردان و کسی که به زندگی و حق زندگی زنی احترام بگذارد و به او حق بدهد می شود بی غیرت. بی غیرت باشیم تا زنانمان زنده باشند و زندگی کنند.



ایرانگردی



کلیسای وانک



امین حسین پور

aminhoseinpour@instagram



نقاشی هایی که مضامینی از انجیل مقدس دارند.

نقاشان تصاویر ، همگی استادان ارمنی بوده اند .

از حیث طلا کاری و تذهیب در میان سایر کلیساها کلیسای وانک بسیار

منحصر به فرد است

کلیسای وانک دارای چاپخانه بوده است و اولین کتابی که در چاپخانه

چاپ شد زبور داود در سال ۱۶۳۸ میلادی بود یک سال و پنج ماه برای

چاپ این کتاب زمان صرف گردید است

در سال ۱۹۰۵ میلادی بخش موزه و کتابخانه در کلیسا احداث گردید

کلیسای وانک بزرگترین و معروفترین کلیسای ایران است

ساخت و ساز آرامنه و اسکان آنها در محله ی جلفا اصفهان و اطراف کلیسا

باعث شکل گیری معماری خاص و جدیدی در این محله شد

اطراف کلیسا خیابان سنگفرش کشیده شده که در آن کافه های دنج و

فروشگاههای صنایع دستی و رستوران های خوبی وجود دارد. دسترسی

مستقیم و راحت تر به کلیسا از طریق خیابان حکیم نظامی امکان پذیر

است .

ایستگاه متروی سی و سه پل دو و نیم کیلومتر با کلیسا فاصله دارد

ساعت بازدید کلیسا در شیفیت صبح از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۳:۳۰ و در شیفیت

بعد از ظهر از ساعت ۱۶ الی ۱۸:۳۰ می باشد.

به هر گوشه ی این سرزمین کهن که می نگری همزیستی پر از مهر و صفای بینی که اقوام مختلف با رسوم و آیین ها و ادیان متفاوت در کنار هم به صلح و دوستی زندگی می کنند

اصفهان شهر یست که از دیرباز پذیرای اقوام و ادیان مختلف در کنار هم بوده است

در زمان شاه عباس صفوی در خلل جنگ های عثمانی با ایران شاه عباس عده ی بسیار زیادی از آرامنه را به ایران کوچانید .

ارمنیان پس از استقرار در محله ی جلفای اصفهان درصدد ایجاد تاسیسات اجتماعی و بناهای مذهبی خود بر آمدند .

ارمنیان در شهر اصفهان کلیسایی نظیر کلیسایی که در چوگا داشتند بنا نهادند و نام آن را وانک به معنی صومعه نامیدند.

سالها بعد از آن بنای کلیسای فعلی در سال ۱۶۶۴ میلادی ساخته شد که وجه تمایز این کلیسا با دیگر کلیساها ساخته شدن آن با خشت خام به جای سنگ می باشد

این کلیسا دارای دو گنبد است گنبد کوچک که بر روی محل استقرار عامه ی مردم است و گنبد بزرگ که بر روی قسمت محراب کلیسا ساخته شده است

گنبد کلیسای کهن ارمنی مخروطی شکل است ولی گنبد کلیسای وانک

شبیه مساجد ایرانی عصر صفوی ساخته شده است

تمامی دیوار ها، طاق نماها طوق گنبد داخل گنبد و تمامی زوایای کلیسا

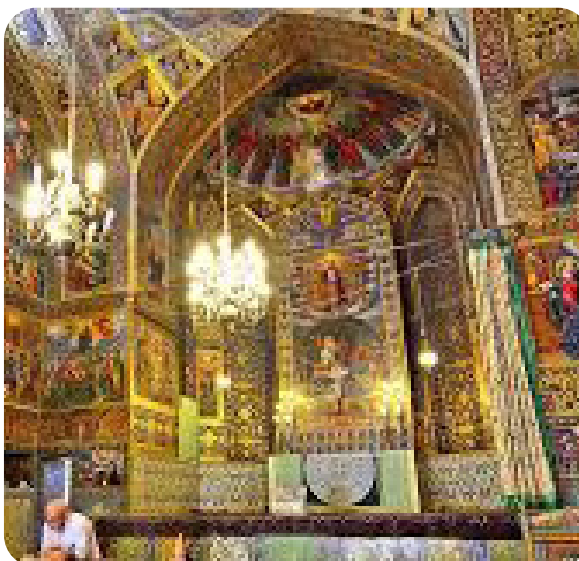
با رنگ روغن نقاشی و تزیین شده است .



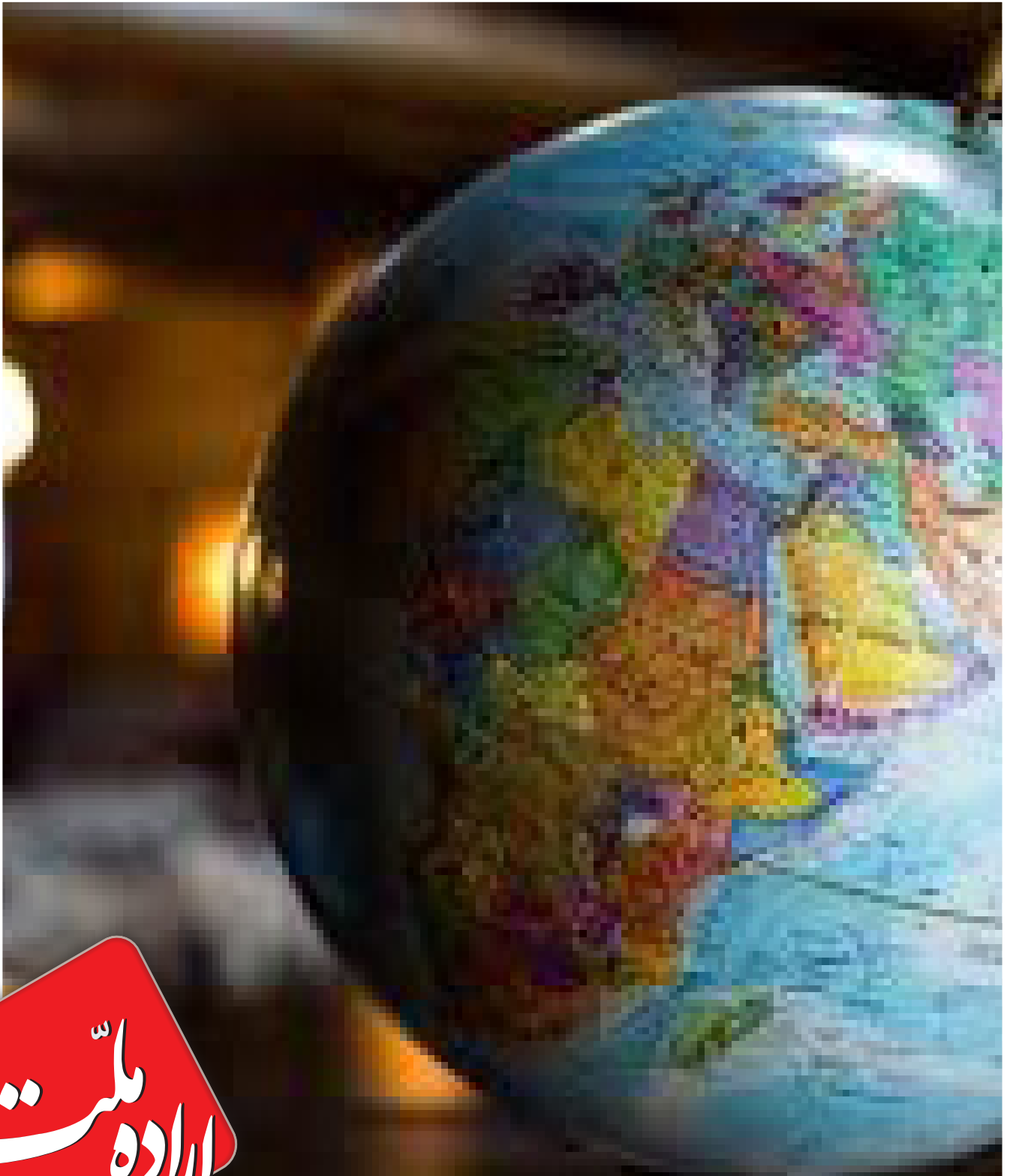
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



بين الملل



جهان در هفته‌ای که گذشت



مهتاب قصابی

pajuhaneh@znu.ac.ir

کامالا هریس، نامزد دموکرات‌ها



بازگشت ترامپ، رویای نتانیاهو و جام زهر رهبر ایران؛
گزینه‌های پیش روی تهران چه خواهد بود؟



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶
۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

پیش تر، کامالا هریس، معاون کنونی رئیس جمهوری آمریکا و رقیب انتخاباتی ترامپ روز هشتم اکتبر (۱۷ مهر ۱۴۰۳) در بخشی از مصاحبه خود با برنامه «۶۰ دقیقه» شبکه تلویزیونی سی بی اس، ایران را به عنوان دشمن اصلی ایالات متحده معرفی کرد. نامزد حزب دموکرات برای انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در پاسخ به سوال بیل ویتاکر برای نام بردن دشمن اصلی ایالات متحده، گفت: «فکر می کنم گزینه آشکاری به ذهن خطور می کند، که ایران است.» او ادامه داد: «دستان ایران به خون آمریکایی آغشته است. در خصوص حمله اخیر [ایران] به اسرائیل با ۲۰۰ موشک بالستیک، کاری که باید انجام دهیم این است که مطمئن شویم ایران هرگز به توانایی هسته‌ای شدن دست پیدا نمی کند، این یکی از بالاترین اولویت های من است.»

ادعای دو رسانه آمریکایی: آقای خامنه‌ای دستور انتقام از اسرائیل را صادر کرده؛ حمله از خاک عراق انجام می شود نشریه نیویورک تایمز آمریکا روز پنجشنبه ۳۱ اکتبر (۱۰ آبان) به نقل از سه منبع ایرانی گفته که رهبر جمهوری اسلامی دستور حمله تلافی جویانه علیه اسرائیل را صادر کرده است. این مقامات گفته‌اند که رهبر جمهوری اسلامی این تصمیم را پس از بررسی گزارش مفصل فرماندهان ارشد نظامی درباره میزان آسیب‌های وارده به قابلیت‌های تولید موشک و سامانه‌های پدافند هوایی ایران در اطراف تهران، زیرساخت‌های حیاتی انرژی و یک بندر اصلی در جنوب ایران اتخاذ کرده است. همزمان پایگاه خبری اکسیوس به نقل از دو منبع اسرائیلی ناشناس گزارش داده که اطلاعات اسرائیل نشان می‌دهد که ایران در حال آماده شدن برای حمله به اسرائیل از خاک عراق در روزهای آینده است. در این گزارش آمده است که انجام این حمله از طریق شبه نظامیان طرفدار ایران در عراق می‌تواند تلاشی از سوی تهران برای جلوگیری از حمله تلافی جویانه دیگر اسرائیل به اهداف استراتژیک در ایران باشد.

خبرگزاری رویترز روز جمعه اول نوامبر (۱۱ آبان) به نقل از مقامات ایرانی، عربی و غربی نوشت که نگرانی اصلی ایران پتانسیل ترامپ برای قدرت دادن به بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل برای حمله به سایت‌های هسته‌ای ایران، انجام ترورهای هدفمند و اعمال مجدد سیاست قبلی او موسوم به «فشار حداکثری» از طریق تشدید تحریم‌های صنعت نفت این کشور است. این منابع پیش بینی می کنند که ترامپ - که در سال های ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱ رئیس جمهور بود - بار دیگر سیاست فشار حداکثری خود را بر رهبر ایران تحمیل کند تا با پذیرش یک توافق هسته‌ای جدید آن هم با شرایط تعیین شده توسط آمریکا و اسرائیل موافقت کند. البته برخی از تحلیلگران نیز استدلال می کنند که با توجه به کارزارهای نظامی یک سال اخیر اسرائیل برای هدف قرار دادن گروه‌های مورد حمایت ایران مانند حماس در نوار غزه و حزب الله در لبنان؛ می‌توان نتیجه گرفت که صرف نظر از اینکه هریس یا ترامپ روی کار بیایند، ایران فاقد اهرم‌هایی است که قبلاً در اختیار داشته است.

به گزارش یورونیوز دونالد ترامپ ابراز تمایل کرد که ایران به عنوان یک ملت باید پیشرفت کند اما تاکید کرد که نباید اجازه داد تهران به سلاح هسته‌ای دست یابد. او در پاسخ به این سوال که آیا شما با حکومت کنونی موافقت می کنید یا اینکه ترجیح می‌دهید ایران به دوران شاه زمانی که یکی از سه کشور برتر گردشگری بود باز گردد، پاسخ داد: «ما نمی‌توانیم به طور کامل در همه امور دخالت کنیم. رئیس جمهوری پیشین ایالات متحده در این مصاحبه همچنین تاکید کرد که در دوران ریاست جمهوری خود با تهدید به محدود کردن دسترسی چین به بازارهای آمریکا، پکن را برای توقف خرید نفت از ایران تحت فشار قرار داد که به ادعای او این سیاست موفقیت آمیز بود. او در دوران ریاست جمهوری خود در ماه مه ۲۰۱۹ در نشست خبری مشترک با نخست وزیر وقت ژاپن با تاکید بر اینکه دنبال «تغییر رژیم» در ایران نیست، گفت: «می‌خواهم این موضوع را شفاف کنیم».



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

ایالات متحده دستور اعزام بمبافکن‌های «بی-۵۲» جنگنده‌های هوایی و کشتی‌های جنگی کشورش به منطقه را صادر کرده است. به گفته واشنگتن هدف از اعزام بمبافکن‌های «بی-۵۲» به منطقه حفاظت از نظامیان آمریکایی و منافع واشنگتن در منطقه است. اعزام این بمبافکن‌ها به منطقه هشدار به ایران محسوب می‌شود که بنا به برخی از گزارش‌ها برای واکنش به حمله اخیر اسرائیل به مراکز نظامی خود آماده می‌شود. برخی گزارش‌ها نیز از صدور نوتام (هشدار پروازی) برای هواپیماهای عبوری از آسمان ایران در روزهای چهارم تا ششم اکتبر حکایت دارد. ایران پیش از این دو بار در طی سال جاری به طور مستقیم به اهدافی در اسرائیل حمله کرده است. اسرائیل نیز هر دو بار به این حمله‌ها واکنش نشان داد هرچند واکنش هفته گذشته این کشور به مراتب جدی‌تر و سنگین‌تر از واکنش به اولین حمله ایران در ماه آوریل بود. بنا به برخی گزارش‌ها به نقل از منابع اطلاعاتی اسرائیل، ایران این بار خود را برای حمله به اسرائیل از خاک عراق آماده می‌کند. سخنگوی کاخ سفید روز جمعه از ایران خواست تا از واکنش به حمله هفته گذشته اسرائیل بپرهیزد.

ترجیح اروپا و قدرت‌های جهان و ایران ترامپ است یا هریس؛ چرا؟



از پوتین گرفته تا شی جین پینگ، رهبران اروپایی و ناتو تا مودی هند، رهبران جهان چه کسی را بعنوان رئیس جمهوری جدید آمریکا در کاخ سفید ترجیح می‌دهند؟

رهبران جهان از نزدیک در حال ارزیابی انتخابات ریاست جمهوری روز سه‌شنبه پنجم نوامبر (۱۵ آبان ۱۴۰۳) در بزرگترین ابرقدرت نظامی و اقتصادی جهان هستند. با توجه به درگیری‌های ادامه‌دار در نوار غزه و اوکراین و تشدید اختلافات تجاری، انتظار می‌رود که نتیجه رقابت بین دونالد ترامپ جمهوری خواه و کامالا هریس دموکرات، به‌طور قابل توجهی بر مسائل مهم جهانی در سال‌های آینده تأثیر بگذارد.

برخی از رهبران جهان سر بسته و تلویحا اعلام کردند که ترجیح آن‌ها کدام شخص است، ولی برخی دیگر علنا ابراز بی‌طرفی کرده‌اند و بر لزوم حفظ روابط قوی با هر دولتی که در واشنگتن حاکم باشد تأکید کردند. برخی دیگر هم گفته‌اند که در روابط فی‌مابین آمریکا با کشور آن‌ها آب از آب تکان نخواهد خورد و اساسا مهم نیست که چه کسی اداره امور در واشنگتن را برعهده خواهد داشت.

هریس اولویت واضح اروپاست

ترامپ آشکارا مخالفت خود را با نحوه خرج کرد اعضای پیمان ناتو یا همان اتحاد نظامی بین آمریکا و کشورهای کلیدی اروپای غربی ابراز کرده و چندین بار تهدید به خروج از ناتو کرده است. با این حال، مشاوران امنیت ملی و کارشناسان دفاعی او بعید می‌دانند که او از این ائتلاف خارج شود. با این وجود، انتقادات ترامپ از ناتو همچنان ادامه دارد و انتظار می‌رود که او متحدان ناتو را تحت فشار قرار دهد تا مخارج دفاعی خود را افزایش دهند.

تفاوت با گیتس و سوروس در کارزار دموکرات‌ها و جمهوریخواهان؛ آیا ماسک ترامپ را بر مسند قدرت می‌نشانند؟



با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ آمریکا، بسیاری از ایالت‌ها از جمله ایالت‌های رقابتی مانند جورجیا، فرایند رای‌گیری زودهنگام را آغاز کرده‌اند. در حالی که حدود ۲ هفته تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا باقی مانده، ایلان ماسک در این روزها به یکی از سرسخت‌ترین حامیان دونالد ترامپ تبدیل شده و به‌طور بالقوه بر نتایج انتخابات تأثیر می‌گذارد. مهم‌تر از همه اینکه ایلان ماسک در پشت صحنه، از نظر مالی از یکی از بزرگترین کمیته‌های اقدام سیاسی به نام «پک آمریکا» در طرفداری از ترامپ حمایت می‌کند. از آن زمان، ماسک هم منابع مالی و هم نفوذ خود را به پای حمایت از کمپین ترامپ گذاشته و مکرراً گفته است که اگر ترامپ پیروز نشود، این «آخرین انتخابات» خواهد بود.

وزارت امور خارجه آلمان روز چهارشنبه در مطلبی در پلتفرم اجتماعی ایکس اظهارات نادرست دونالد ترامپ، نامزد جمهوری خواه انتخابات ریاست جمهوری آمریکا را مبنی بر اینکه مهاجران حیوانات خانگی می‌خورند به‌سخره گرفت و در عین حال نسبت به انتقادات وی از نحوه سیاست‌گذاری آلمان در حوزه انرژی جبهه‌گیری کرد. ترامپ همچنین از تلاش‌های کامالا هریس برای سوق دادن آمریکا به سمت ترکیبی متنوع‌تر و پایدارتر از منابع انرژی انتقاد کرد و گفت که کشور آلمان هم قصد انجام همین کار را داشت، ولی نتوانست سوخت‌های فسیلی را کنار بگذارد. وزارت امور خارجه آلمان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «می‌خواهد خوششان بیاید یا نه؛ شبکه انرژی آلمان با بیش از ۵۰ درصد منابع تجدیدپذیر کاملاً عملیاتی است و ما - به جای ساختن - نیروگاه‌های زغال سنگ و هسته‌ای، در حال تعطیل کردن آن‌ها هستیم».

ورود بمبافکن‌های «بی-۵۲» آمریکا به منطقه



همزمان با گزارش رسانه عربی از آرایش تهاجمی نیروهای ایران ارتش آمریکا همزمان با افزایش نگرانی‌ها از آغاز دور جدیدی از تقابل مستقیم نظامی بین ایران و اسرائیل اعلام کرد که بمبافکن‌های «بی-۵۲» ایالات متحده وارد منطقه شدند. پنتاگون روز جمعه اعلام کرده بود که حضور ارتش آمریکا در منطقه به دستور لوید آستین، وزیر دفاع این کشور افزایش می‌یابد. وزیر دفاع



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶
۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

موضع متمایز ترامپ در مورد مناقشه روسیه و اوکراین نیز می تواند تلاش نظامی غرب علیه مسکو را به خطر بیندازد. ترامپ با اعطای بسته کمک خارجی به کی یف مخالفت است و استدلال می کند که این بسته ها باید به عنوان وام به جای کمک مالی ارائه شود.

علاوه بر این، پیروزی ترامپ به طور بالقوه می تواند بسیاری از سیاست های اتحادیه اروپا، از جریان های تجاری و یارانه های صنعتی گرفته تا مقررات نظارت دیجیتال را به هم بزند. پیروزی ترامپ می تواند به معنای همسویی کمتر با کشورهای اروپایی در همکاری برای طرح های انرژی های تجدیدپذیر باشد. کما اینکه ترامپ از افزایش تولید سوخت فسیلی برای کاهش وابستگی ایالات متحده به واردات انرژی خارجی حمایت کرده است.

ترامپ در ایالت حساس پنسیلوانیا برنده شد و در آستانه ورود به کاخ سفید قرار گرفت



دونالد ترامپ با پیروزی در انتخابات ایالت پنسیلوانیا ۱۹ رای الکترال را به خود اختصاص داد و در آستانه پیروزی سراسری در انتخابات ریاست جمهوری قرار گرفت. ایالت پنسیلوانیا یکی از ایالات مهم چرخشی محسوب می شد و کامالا هریس امید داشت که با پیروزی در این ایالت راه خود را برای ورود به کاخ سفید هموار کند. با این حال در شب انتخابات دونالد ترامپ به طرز چشمگیری بهتر از وی عمل کرد و با کسب ۵۱ درصد آرا در مقابل ۴۸.۱ درصد کامالا هریس را شکست داد. ترامپ در انتخابات سال ۲۰۱۶ توانسته بود با اختلافی زیر ۱ درصد هیلاری کلینتون از حزب دموکرات را شکست دهد. ولی جو بایدن در انتخابات سال ۲۰۲۰ موفق شده بود این ایالت را با یک برتری ۱ درصدی پس بگیرد.

هم دونالد ترامپ و هم کامالا هریس در روزهای اخیر بر فعالیت انتخاباتی خود در ایالت پنسیلوانیا افزوده بودند تا بتوانند رای مردم این ایالت را به خود جلب کنند. با قطعی شدن نتایج انتخابات در پنسیلوانیا، دونالد ترامپ اکنون برای قطعی کردن ورودش به کاخ سفید تنها به ۳ رای الکترال دیگر نیاز دارد.

تدارکات ایران برای واکنش به اسرائیل؛ «پیچیده و قوی و قبل از آغاز به کار ترامپ یا هریس خواهد بود»



ایران همزمان با هشدار آمریکا در مورد پرهیز از واکنش به حمله اخیر اسرائیل به دنبال انجام حمله ای «پیچیده با سلاح های قویتر» علیه این کشور و قبل از آغاز به کار رئیس جمهوری جدید آمریکاست.

«وال استریت ژورنال» به نقل از مقام های ایرانی و عربی آگاه در مورد برنامه ریزی های انجام شده این خبر را منتشر کرده است. این در حالی است که آمریکا حضور نظامی خود در منطقه را به امید مهار ایران افزایش داده است. ورود چند بمب افکن «بی ۵۲» آمریکا به منطقه تحت نظر ستکام در منطقه در همین راستا صورت گرفته است.

از سوی دیگر مسعود پزشکیان، رئیس جمهوری ایران روز یکشنبه گفت که برقراری آتش بس در منطقه می تواند بر نوع و نحوه واکنش ایران تاثیر بگذارد. زمزمه هایی مبنی بر احتمال برقراری آتش بس در لبنان شنیده می شود اما اسرائیل همچنان بر دستیابی به اهداف خود در جنگ غزه تاکید می کند.

حمله اسرائیل به مراکز نظامی ایران که حدود ۱۰ روز پیش انجام شد به دفاع هوایی این کشور آسیب جدی زد.

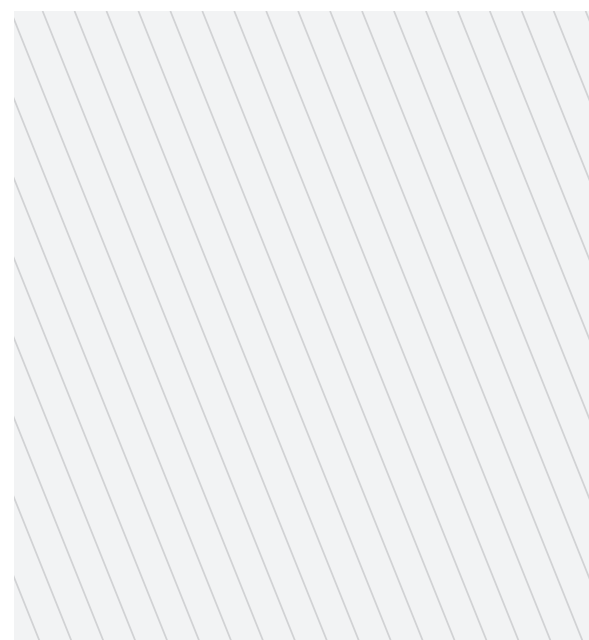
آسوشیتدپرس: تصاویر ماهواره ای نشان می دهد که حمله اسرائیل به پایگاه سپاه در شاهرود آسیب زده است

در مقابل اسرائیل تهدید کرده است که در صورت حمله دوباره از سوی ایران واکنش خود را محدود به مراکز نظامی خواهد کرد. به گفته رئیس ستاد مشترک ارتش اسرائیل این کشور در حمله جدید خود مراکزی را که پیش از این از حمله آنها خودداری کرده بود هدف خواهد گرفت.

اسرائیل در حملاتی که ساعات اولیه روز شنبه ۲۶ اکتبر صورت گرفت از حمله به مراکز نفتی و هسته ای ایران خودداری کرد.

در گزارش «وال استریت ژورنال» آمده است که ارتش ایران به دلیل تلفاتی که داشته است در واکنش به اسرائیل نقش خواهد داشت. این در حالی است که تاکنون این سپاه پاسداران بود که نقش اصلی را در دو حمله قبلی ایران به اسرائیل ایفا کرده بود.

علی فدوی، جانشین فرمانده کل سپاه پاسداران روز یکشنبه گفت که پاسخ ایران به حمله اخیر اسرائیل «حتماً» انجام خواهد شد. در گزارش «وال استریت ژورنال» آمده است که تهران تهدید کرده است که پاسخش این بار «پیچیده تر و قوی تر» از قبل خواهد بود.



اخبار حزبی

میدان
خبر اراده

تاسیس ۱۳۶۹



اخبار حزبی



حسن غلامی

hgolami1367@gmail.com

مجمع عمومی سالیانه حزب اراده ملت ایران

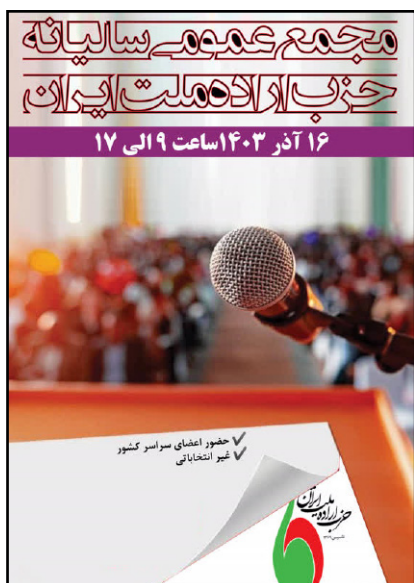
مجمع عمومی سالیانه اعضای حزب اراده ملت ایران در تاریخ ۱۶ آذر برگزار می شود.

با هماهنگی های صورت گرفته مقرر شد که مجمع عمومی اعضا حزب در روز جمعه ۱۶ آذر ماه از ساعت ۹ صبح الی ۱۷ عصر در تهران برگزار گردد. طبق نظامات حزبی، برگزاری این کنگره بر عهده کمیته تشکیلات خواهد بود. از تمام اعضا خواش دارم که برنامه های خود برای حضور موثر و مناسب در این کنگره را تنظیم نمایند.

از مسئولین محترم حزبی نیز خواش دارم برای برگزاری هر چه شکوهمندتر این رویداد، همکاری لازم را با سرکار خانم زهره رحیمی مسوول کمیته تشکیلات حزب داشته باشند.

باسپاس

افشین فرهانچی - دبیر کل



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

شورای شهر باحما

آخرین جلسه دوره آموزشی آشنایی با مدیریت شهری پایدار، ویژه توانمندسازی نامزدهای هفتمین دوره انتخابات شوراهای اسلامی شهر در ایران در تاریخ ۱۶ آبان در بستر گوگل میت با تدریس مهدی صادقیها برگزار شد.

در این دوره به تدریس مطالب زیر پرداخته شد:

مقدمه، مفاهیم پایه شهر و شهرسازی و مسکن شهری (۱)

مقدمه، مفاهیم پایه شهر و شهرسازی و مسکن شهری (۲)

بافت های ناکارآمد و فرسوده، پدافند غیر عامل و سوانح

اقتصاد شهری، جامعه شناسی و فرهنگ

حقوق و قوانین و تاریخ شهر

طرح ها و برنامه ها، مراجع و مدیریت شهری

کاربرد رایانه، رویکردهای نوین و معماری و ساختمان

حمل و نقل شهری، محیط زیست و توسعه پایدار

دیپلماسی شهری، گردشگری و شهرسازی ایرانی اسلامی

کارگاه برنامه ریزی برای شهرها

آشنایی بیشتر با مباحث شورا و جمع بندی





حامانیوز در اینستاگرام فعال شد

بعد از تعطیلی طولانی مدت پیج حامانیوز، پس از تغییرات در هیات اجرایی حزب اراده ملت ایران (دبیر کل و کمیته ها) حامانیوز فعالیت خود را از سر گرفت لطفا اخبار شورای مرکزی و دفاتر استانی و شهرستانی را از حامانیوز دنبال کنید.
آدرس پیج: @news_hama



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳

مجموعه چهار جلدی کتاب های ساز و کار حزبی منتشر شد

مجموعه کتاب های ساز و کار حزبی در آبان ۱۴۰۳ منتشر شد. این کتاب ها ترجمه سرکار خانم زهره رحیمی مشاور ارشد شورای مرکزی حزب اراده ملت ایران است که در انشادات این حزب منتشر می شود.
جلد اول: قالب بندی و ساختار دهی یک حزب نوشته یسپر بنگستون و ترجمه خانم زهره رحیمی، این کتاب راجع به مبانی جهان بینی، اساسنامه حزب و ساختار تشکیلاتی صحبت می کند.
جلد دوم: چگونگی برگزاری انتخابات و تصمیم گیری در احزاب نوشته توماس کارلهد و یسپر بنگستون و ترجمه خانم زهره رحیمی و دلارام چراغی، این کتاب راجع به ارتباط، دستور کار و سازماندهی کمپین های انتخاباتی به ما کمک می کند.
جلد سوم: تدوین خط مشی و راهبری در احزاب سیاسی نوشته یسپر بنگستون ترجمه خانم زهره رحیمی، این کتاب راجع به توسعه و تحول سیاست، مشارکت و تعامل با دنیای بیرون صحبت می کند.
جلد چهارم: دستیابی و پیوند با مخاطبین در احزاب سیاسی نوشته توماس کارلهد و یسپر بنگستون ترجمه خانم زهره رحیمی و آزاده قاسمی، این کتاب راجع به ارتباط، دستور کار و سازماندهی کمپین های انتخاباتی به ما کمک می کند.



مجموعه کتاب های ساز و کار حزبی

در اکثر نظام های سیاسی دموکراتیک در جهان، احزاب سیاسی نقش مهمی در نحوه عملکرد دموکراسی ایفا می کنند. این احزاب سیاسی هستند که در انتخابات شرکت می کنند، فهرست نامزدهای انتخاباتی را ارائه می دهند و پلتفرم های سیاسی را برای توجه رای دهندگان تنظیم می کنند. این احزاب سیاسی هستند که قانون گذاری می کنند و تصمیماتی می گیرند که بر زندگی تمامی شهروندان تأثیر می گذارد. این احزاب سیاسی هستند که امکان پاسخگویی در قبال تصمیمات خود را دارند و در انتخاباتی آزاد و عادلانه، قدرت را می توان از آنها سلب نمود.

برای تهیه کتاب ها به اینترنت مراجعه کرده و با شماره تماس ۰۹۳۰۵۴۹۵۱۵ پیام دهید. نسخه الکترونیکی کتاب در سایت موجود است



کار گروه محیط زیست

مدرسه اراده ملت

تاسیس ۱۳۶۹



عملکرد کارگروه محیط زیست

- ❖ ارائه طرح های محیط زیستی
 - ❖ مشاوره محیط زیستی
 - ❖ همکاری در فعالیت های NGO ایی
 - ❖ جذب افراد متخصص و تشکیل گروه های تخصصی و زیر مجموعه ی آن برای مطالبه گری
 - ❖ پایش اطلاعات محیط زیستی کشور در شبکه های استانی و مردم نهاد کشوری
 - ❖ فعالیت در کانال کارگروه محیط زیست حاما @hamasabz
- # با ما برای ساختن ایرانی سبز و پایداری آن، همراه شوید#

رئیس کارگروه:

فاطمه امامی

کارشناس ارشد زیست شناسی علوم
جانوری (فیزیولوژی جانوری)
تخصص:

- ❖ تاکسیدرمیست
- ❖ موزه داری حیات وحش
- ❖ آموزش محیط زیست
- ❖ مشاور آموزشی دانشگاه
- ❖ نویسنده داستان کوتاه و کتاب
- ❖ عضو NGO های محیط زیستی

کارگروه شوراها و مدیریت شهری و روستایی



رئیس کارگروه:

مهدی میرصادقی

فعالیت این کارگروه همانطور که از نامش پیداست، حول موضوع شورای شهر و مدیریت شهری و روستایی ست. احتمالاً همه ی شما عزیزان در شهر های مختلف با مشکلات متعدد رفاهی و خدماتی و مدیریت شهر آشنا هستید؛ در همین راستا، رسالت این کارگروه:

اول، زمینه سازی برای ورود افراد توانمند و متخصص در شوراهای شهر و روستاست
دوم، اصلاح ساختار های مدیریت شهری و روستایی در مسیر بهبود کیفیت زندگی شهروندان هست.
شما می توانید برای همکاری با کارگروه شوراها و مدیریت شهری و روستایی، براساس علاقه، تخصص و یا تجربه شخصی، یکی از عناوین زیر را انتخاب کنید:

- ♦ تخصص یا مهارت در زمینه مدیریت شهری
- ♦ بررسی و تحقیقات دوره های گذشته ی شورای شهر
- ♦ همکاری در تیم مدیریت آموزشی کارگروه
- ♦ روابط عمومی (ارتباطات مجازی و تلفنی)
- ♦ ثبت نام به عنوان نامزد در انتخابات شوراها
- ♦ علاقه مندی و پیگیری اخبار و رویدادهای حوزه شوراها

برای اطلاع بیشتر و عضویت در کارگروه مدیریت شهری و شوراها: به همین حساب پیام شخصی دهید یا با شماره تلفن ۰۹۳۸۶۲۶۹۱۴۷ تماس بگیرید.



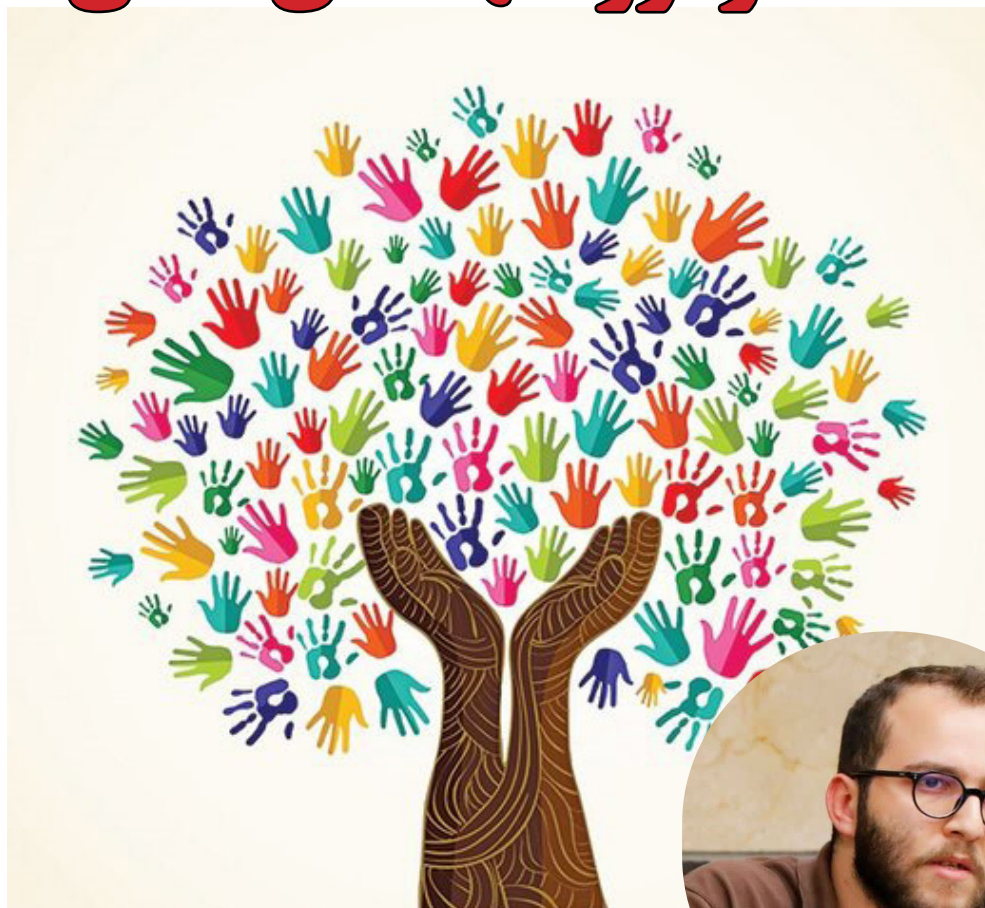
هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



کارگروه نهادهای مدنی



رئیس کارگروه:

علیرضا اسکندری نژاد

♦ کارگروه نهادهای مدنی تلاش می کند تا با استفاده از ظرفیت های مختلف از فعالیتهای تشکلهای مردم نهاد، غیردولتی و خیریه ای حمایت کند و بستری برای بیان ایده ها، دغدغه ها مسائل این تشکلهای و ترویج آگاهی در این حوزه فراهم کند.

♦ برخی از مهم ترین خدمات این کارگروه:

- تجمیع اطلاعات نهادهای مدنی
- شبکه سازی میان نهادها جهت بهره گیری از امکانات یکدیگر
- انعکاس دغدغه ها و مسائل در قالب های مختلف رسانه ای
- مشاوره و یاری رسانی جهت انجام اقدامات مبتنی بر ثبت و اصلاح فرایندها و ساختارهای تشکل
- برگزاری دوره های آموزشی برای فعالان تشکلهای
- برگزاری نشست های تخصصی با هدف ترویج آگاهی در این حوزه

♦ جهت دریافت اطلاعات بیشتر، عضویت در کارگروه یا دریافت خدمات با آیدی زیر یا ایمیل در تماس باشید:

@AlirezaEskandarinezhad
aenezhad@gmail.com

کارگروه مشاور دولت



برخی از رویکردهای این کارگروه:

- * نظارت بر حسن انجام وظایف وزرا و سازمانهای مربوطه
- * پیگیری مصوبات مجلس
- * تهیه پیشنهاداتی به دولت و مجلس برای بهبود اوضاع
- * نقد عملکرد دولت و بیان نقاط ضعف
- * زیر نظر گرفتن عملکرد دولت در هر استان و توجه به مصوبات استانی
- * تحلیل شرایط هر وزارتخانه و بررسی وضع موجود

با هم یک تجربه جدید سیاسی و هیجان انگیز را امتحان کنیم. از اهداف اصلی این کارگروه به نوعی تمرین موقعیت های اجرایی دولت و زیر مجموعه آن است. از همه هموندان عزیز خواهشمندیم این کارگروه را همراهی کرده و برای داشتن دولتی قوی همکاری نمایند.

این کارگروه در اولین گام، مایل به جذب افراد علاقمند و مستعد برای پذیرش مسئولیت در وزارتخانه های «کشور، امور خارجه و صنعت» می باشد.

ارتباط با ما: @esf_mehran



رئیس کارگروه:

مهران فتوحی

این کارگروه با هدف نظارت، بررسی، مطالبه گری و ارائه پیشنهادهای عملی و تاثیر گذار به دولت چهاردهم تشکیل شده است. لذا در تلاش هستیم ساختاری مشابه ساختار دولت را تشکیل دهیم.



هفته نامه غیر برخط
اراده ملت

شماره ۸۶

۱۷ آبان سال ۱۴۰۳



سازمان آگهی

برای درج تبلیغات خویش، پوستر طراحی شده را
به آدرس پایین ایمیل

Hgolami1367@gmail.com

و یا

به شماره زیر از طریق واتساپ ارسال نمائید

۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵

- مشاوره مالیاتی در کلیه حوزه های مالیاتی
- قبول پرونده های مالیاتی
- تحریر لوایح دفاعیه

فاطمه قدم / مشاور رسمی مالیاتی

Tel: ۰۹۱۹۲۷۶۶۸۰۸

Email:

Fatemehghadam۵۶@gmail.com

Fatemehghadam@yahoo.com

خاطرات سیاسی

www.khsmag.ir

۲۵ خاطرات سیاسی ۱۴۰۳
مجله سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
سال هفتم - شماره ۲۵ - تابستان ۱۳۹۲
۲۲ صفحه - ۱۰۰۰ تومان



انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۳۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.

انتشارات حزب اراده ملت ایران منتشر کرده است



برای خرید نسخه کاغذی کتاب می‌توانید با شماره تلفن ۰۹۳۰۵۴۲۹۵۱۵ تماس گرفته و یا در اپلیکیشن باسلام، ترب خرید نمایید.

برای خرید نسخه الکترونیکی کتاب می‌توانید به اپلیکیشن یا سایت طاقچه مراجعه نمائید.